

نگاهی به یک مرجع پژوهشی

واحد نشر اسناد. راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول (موجود در وزارت امور خارجه)؛ ۱۳۵۷ - ۱۱۸۵ هجری شمسی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷. ۸۶۹ ص.

دسترس عموم قرارداد، اغلب آگاهی نسبت به وجود بسیاری از آنها و مهمتر از آن دسترسی به اسناد و معاهدات مزبور اگر برای پژوهشگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. از این رو برای تسهیل کار پژوهش، اسناد و معاهدات گردآوری شده و در مجموعه‌هایی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. معمولاً این کار را وزارت امور خارجه یا نهادی که چنین اختیاری داشته باشد، انجام می‌دهد.

بر اساس ماده واحده مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی، که در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۱۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت، و طبق «آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار اسناد طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه» مصوب ۱۳۶۵/۴/۴، واحد نشر اسناد در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تنظیم و انتشار معاهدات و برخی اسناد تاریخی دیگر را آغاز کرده است. در این راه بدو کتابی با عنوان راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول را تدوین و منتشر نموده است. هدف از انتشار این کتاب، «تسهیل در دستیابی محققین به متن معاهدات دوجانبه

برای درک بهتر تاریخ یک ملت باید به شیوه علمی و به دور از قاعده‌پردازی‌های ذهنی، آثاری را که از گذشته به جا مانده است بررسی کرد. بخشی از این آثار نوشته‌هایی است که به انحاء مختلف می‌توانند وضع یک جامعه را در مقطع زمانی مشخص یا دوره‌ای خاص از جهات گوناگون نشان دهند. قسمتی از نوشته‌های اشاره شده را نیز اسناد، از جمله معاهدات میان یک دولت با دولت‌های دیگر، تشکیل می‌دهند. این اسناد و معاهدات از آن نظر اهمیت دارند که مبانی رسمی مناسبات یک دولت با دولت‌های دیگر را شکل می‌دهند و در کنار مدارک و شواهد دیگر می‌توانند به پژوهشگر کمک کنند تا شناخت بهتری نسبت به مقطع زمانی یا دوره تاریخی مورد مطالعه، به دست آورد و به نتیجه‌گیری دقیقتری برسد که با واقعیتها انطباق بیشتری داشته باشد و جریان بعدی تحولات جامعه مورد مطالعه را بهتر نشان دهد.

از آنجا که تعداد این معاهدات بسیار زیاد است و دوره زمانی طولانی را شامل می‌شود، همچنین احتمالاً در مکان‌هایی دور از

بوده است» (ص ۷). کتاب مشخصات محتوایی و صوری ۱۷۵ معاهده و سند مربوط به دوره قاجار و ۱۵۹۲ معاهده و سند مربوط به دوره پهلوی را ارائه می‌دهد.

به دنبال مقدمه، تعریفی از معاهدات و توضیحی درباره عهد و معاهده در اسلام آمده است. آنگاه بخشهای اصلی کتاب آغاز می‌شود که عبارت‌اند از: راهنمای کشورها، فهرست موضوعی، فهرست عنوانها و راهنما و مشخصات معاهدات دوره قاجاریه و دوره پهلوی. فایده این بخشها و نحوه استفاده از آنها در مقدمه توضیح داده شده است. صص ۱۳-۱۰.

خواننده با توجه به توضیحات مقدمه و با استفاده از «راهنمای کشورها» و «فهرست عنوانها» می‌تواند به توضیحات مندرج در بخش راهنما و مشخصات در مورد یک یک معاهدات، و در پاره‌ای موارد، اسناد ضمیمه دست یابد. توضیحات مربوط به مشخصات سند برای پژوهشگری مفید است که با خود سند روبه‌روست و احراز اصالت آن برایش ضرورت دارد. توضیحات راهنما نیز از لحاظ شناسایی خود سند و ملحقات آن به کار می‌آید.

در مقدمه آمده است که «به وسیله کتاب حاضر... می‌توان به متن معاهدات دوجانبه ایران از دوران فتح‌الملی شاه قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی، که در آرشیوهای وزارت امور خارجه ثبت و ضبط است، دست یافت» (ص ۸). این امر چندان هم بسادگی امکانپذیر نیست. شاید به همین دلیل در جای دیگری از مقدمه آمده است که «برای

دسترسی به متن برخی از این گونه معاهدات می‌توان به کتب تاریخی و از جمله مجموعه سه جلدی معاهدات دوجانبه ایران تا سال ۱۳۴۹ تألیف آقای دکتر وحید مازندرانی از انتشارات وزارت امور خارجه مراجعه کرد» (ص ۱۲). به هر حال با کمک این راهنما و تاریخ امضای معاهدات، که در بخش راهنما و مشخصات مذکور است، می‌توان به مجموعه‌های قوانین مصوب سالانه مجلس و ضمیمه‌های روزنامه رسمی کشور مراجعه کرد و به متن تعداد زیادی از آنها دست یافت. هر چند مشکل دسترسی به اسنادی که به تصویب مجلس نمی‌رسند، همچنان وجود دارد و تنها زمانی به طور اصولی حل خواهد شد که متن آنها رسماً چاپ شود.

یکی از بخشهای مفید کتاب حاضر، که حتی پس از انتشار متن معاهدات و اسناد می‌تواند همچنان کاربرد داشته باشد، «فهرست موضوعی» آن است. با استفاده از این بخش و با کمک «فهرست عنوانها» یا بخشهای مربوط به راهنما و مشخصات، پژوهشگر امکان می‌یابد که دریابد در هر دوره در زمینه‌ای خاص چه تعداد معاهده با کدام دولتها به امضا رسیده است. این خود می‌تواند تا حدی نشاندهنده سمتگیری‌های کلی در سیاستهای هر دوره بویژه در سیاست خارجی باشد. بعلاوه بررسی «فهرست عنوانها»، که در آن معاهدات ایران با یک یک دولتها و همچنین دیگر اسناد بر حسب تاریخ تنظیم شده است، تا حدی کمک می‌کند که پژوهشگر دریابد در یک برهه زمانی مشخص، حکومتها با کدام دولت یا دولتها بیشتر تماس داشته‌اند

نموده و در صورت اهمیت قراردادی خاص، آن را به تصویب هیئت وزیران برساند» (ص ۲۰). نقل قول بالا بروشنی نشان می‌دهد که آنچه شرکتهای دولتی انجام می‌دهد، عمل «تصدی» و سندی که تنظیم می‌کنند «قرارداد» است.

در بحث مربوط به تقسیم‌بندی معاهدات بین‌المللی به معاهدات «تشریفاتی و غیرتشریفاتی» (ص ۱۶) اشاره شده است. اما توضیحی وجود ندارد که این معاهدات کدام‌اند و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در این بحث همچنین معاهدات از لحاظ ماهیت «عمومی و خصوصی» تقسیم‌شده‌اند (ص ۱۶). به نظر می‌آید منظور از «عمومی و خصوصی» آن چیزی است که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به صورت *Particular, General* مشخص ساخته است. هرچند در ترجمه فارسی که اداره اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران چاپ و منتشر کرد «عمومی» و «خصوصی» به کار رفته، اما درست آن است که معادلهای عام و خاص به ترتیب برای *Particular, General* به جای «عمومی» و «خصوصی» به کار رود.

در این بحث همچنین از معاهدات «عمومی» با عنوان «قانونی» نیز نام برده شده است. به نظر می‌رسد منظور معاهدات قانون‌ساز (*Law Making Treaties*) باشد. در غیر این صورت باید در برابر یک دسته معاهدات که «قانونی» نامیده شده‌اند، دسته‌ای دیگر نیز غیرقانونی باشند. توصیف ارائه‌شده نیز مؤید نظر نخست

و اینکه در روابط ایران با یک دولت دیگر چه مسائلی بیشتر مطرح و مورد توجه بوده است. به طور کلی کتاب حاضر حاوی مجموعه‌ای ارزنده‌ای است که تنظیم آن با کار زیاد همراه بوده. به هر حال توجه به چند نکته می‌توانست بر ارزش آن بیفزاید.

در این نوشته کلاً به نظر می‌رسد واژه «قرارداد» هم‌ردیف و مترادف معاهده به کار رفته است. اصولاً «قرارداد» در برابر واژه *Contract* به کار می‌رود که کاربرد اصلی آن در حقوق خصوصی است. بنابراین بهتر است جز در مواردی که در متن یک سند رسمی واژه «قرارداد» به کار رفته، از به کار بردن این واژه برای مواردی که تعهدات آن در چارچوب اعمال حاکمیت است، و نه اعمال تصدی، خودداری شود. مطالب خود مقدمه نیز این نظر را تأیید می‌کند، زیرا در بحث مربوط به «انواع معاهدات بین‌المللی» (ص ۲۶-۲۰)، که حاوی توصیفی از معاهدات دارای نامهای گوناگون است، توصیف و توضیحی درباره «قرارداد» وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که منبع یا منابع مورد استفاده برای تنظیم این قسمت «قرارداد» را در ردیف «معاهده»، به معنای اخص کلمه، ندانسته‌اند. همچنین باید متذکر شد که به کار بردن عبارت «معاهدات مربوط به شرکتهای دولتی» (ص ۱۹) درست نیست. مطالب همین بحث این امر را تأیید می‌کند. «اقدامات این گونه شرکتهای جنبه عملی تصدی دارد و نه اعمال حاکمیت...؛ ولی دولت به عنوان صاحب سهم می‌تواند در فعالیت شرکت و انعقاد قراردادهای مربوط به آنها شرکت

«معاهدات عمومی یا قانونی معاهداتی است که هدفشان تأمین منافع و مصالح جامعه بین‌المللی و دربرگیرنده مسائل کلی جهانی از قبیل پذیرش صلیب سرخ بین‌المللی، حفظ کابلهای زیردریایی، الغای برده‌فروشی و غیره که مورد قبول اکثر دولتهاست، می‌باشد.»

«بعضی معاهدات دوجانبه از جمله معاهدات مرزی و انتقال ارضی با آنکه از لحاظ شکل جزء معاهدات خصوصی (دوجانبه) محسوب می‌شوند، چون متضمن مقرراتی هستند که مربوط به نظم عمومی بین‌المللی است جزء معاهدات عمومی محسوب می‌گردند» (ص ۱۶).

نکته دیگر آنکه عبارات «معاهدات خصوصی (دوجانبه)» و «معاهدات عمومی یا چندجانبه» نشان می‌دهند که ماهیت معاهده را عده دولتهای طرف آن معاهدات مشخص می‌سازد؛ زیرا در ابتدای بحث آمده است که «معاهدات بین‌المللی... از نظر ماهیت به عمومی و خصوصی و از لحاظ عده دول شرکت‌کننده به چندجانبه یا جمعی و دوجانبه تقسیم شده‌اند» (ص ۱۶). برقراری رابطه مستقیم میان ماهیت معاهده و عده دولتهای طرف آن نه با توضیحات بعدی کتاب درباره معاهدات «عمومی» و «خصوصی» انطباق دارد و نه اصولاً صحیح است؛ زیرا همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد «بعضی معاهدات... چون متضمن مقرراتی هستند که مربوط به نظم عمومی بین‌المللی است، جزء معاهدات عمومی محسوب می‌گردند». بعلاوه «تعدادی از معاهدات دوجانبه متضمن اصول و قواعد مشابهی هستند و بتدریج به صورت قواعد عرفی حاکم بر روابط سایر دول نیز در می‌آیند»

همچنین بسیاری معاهدات چندجانبه نیز وجود دارند که در واقع «خصوصی» یا خاص هستند. مانند معاهداتی که دولتهای یک منطقه برای همکاری با یکدیگر تنظیم می‌کنند. در این مورد از جمله می‌توان به معاهدات میان دولتهای اروپای غربی، قاره آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس اشاره کرد. در این زمینه نیز جمله‌ای از خود کتاب مؤید این نظر است: «برخی معاهدات «چندجانبه محدود»، نیز وجود دارند که اعتبار آنها فقط در بین کشورهای مشخصی است، مثل پیمانهای منطقه‌ای» (ص ۱۶).

بعلاوه تقسیم معاهدات به عام و خاص («عمومی و خصوصی») بر اساس اعتباری که برای دو دولت یا بیشتر دارند، درست نیست؛ زیرا همه معاهدات، اعم از دوجانبه و چندجانبه و در دسته اخیر اعم از اینکه طرفها اندک باشند یا زیاد، اصولاً میان طرفهای آن معتبر است و از این نظر هر معاهده‌ای را می‌توان خاص («خصوصی») دانست.

بنابراین می‌توان گفت که بهتر است تقسیم‌بندی معاهدات از نظر ماهیت به صورت معاهدات عام و معاهدات خاص باشد. منظور از دسته نخست، معاهدات قانون‌ساز است و دسته دوم معاهداتی که تعهداتش اصولاً اختصاص به طرفهای آن دارد و قاعده یا نفعی اساسی برای جامعه بین‌المللی به وجود نمی‌آورند. بعلاوه ارتباط نادرست ماهیت معاهده با تعداد طرفهای آن نیز قطع گردد که در این صورت دیگر ضرورت ندارد توضیح داده شود که برخی معاهدات دوجانبه عام هستند و برخی معاهدات چندجانبه خاص و حالات

استثنایی غیرواقعی به وجود آید.

در زمینه توضیحات مربوط به معاهدات مرکب و بسیط به نظر می آید که منظور از معاهدات مرکب آنهایی است که تمام مراحل قانونی پیش‌بینی شده را برای اعتباریافتن طی می‌کنند و معاهدات بسیط آنهایی هستند که مانند Self Executing Agreement لازم نیست برای قدرت اجرایی پیدا کردن، همه مراحل را پشت سر بگذارند. به هر حال مطلوب بود در این مورد توضیحاتی روشنتر داده می‌شد، بخصوص ذکر مثال بسیار مفید واقع می‌شد.

مطالبی که در صفحات ۲۷ تا ۲۹ تحت عنوان «توضیحی مختصر درباره عهد و معاهده در اسلام» آمده است، در واقع مربوط به چگونگی برقراری روابط با دیگران، رفتار با فرستادگان بیگانه، نحوه مذاکره با نمایندگان خارجی، آداب انعقاد پیمان صلح و توجه به ضرورت‌های دیپلماتیک برای کسب موفقیت در مبارزه است و ارتباط آن با عهد و معاهده چندان روشن و مشخص نیست.

در صفحه ۲۸ اشاره به پیمان ترک مخاصمه حدیبیه شده است و در صفحه ۳۰ پیمانهای همکاری دوجانبه‌ای که بر اثر صلح حدیبیه منعقد گردید مورد اشاره قرار گرفته. مشخص نیست این پیمانها کدامند و با چه کسانی منعقد شده و چه ارتباطی با پیمان ترک مخاصمه حدیبیه دارند.

در صفحه ۳۱ آمده است که پیمان پیامبر اسلام (ص) با مسیحیان نجران در یمن بیشتر به پیمان دو ملت شباهت دارد تا پیمان دو دولت. روشن نیست منظور تهیه‌کنندگان

کتاب حاضر از پیمان میان دو ملت چیست و چه تفاوتی با پیمان میان دو دولت دارد. اصولاً روشن نیست چگونه دو ملت، به عنوان دو واحد مستقل می‌توانند، غیر از موارد مربوط به قراردادهای خصوصی میان آحاد دو ملت، جدا از مقامهای حکومتیشان پیمان ببندند.

در جای جای کتاب از «تصدیق مدیرکل سازمان ملل» (ص ۲۰۵)، «گواهی مدیرکل جامعه ملل» (ص ۲۳۹)، «مکاتبه با مدیرکل جامعه ملل»، «گواهینامه جامعه بین‌الملل» (ص ۲۴۲)، «مدیرکل مجمع بین‌الملل»، «تأییدیه جامعه بین‌الملل»، «نامه جامعه بین‌الملل» (ص ۲۹۶)، «تصدیق‌نامه مدیرکل جامعه بین‌الملل» (ص ۳۶۷) و «گواهینامه مدیرکل جامعه ملل» (ص ۶۱۱) یاد شده است که به نظر می‌رسد این عبارات در متن خود اسناد آمده؛ با توجه به اینکه تاریخ اسناد مزبور هم به دوران جامعه ملل باز می‌گردد، بهتر بود، برای مثال میان دو قلاب [] مشخص می‌شد که منظور از «مجمع بین‌الملل» و جز آن، همان جامعه ملل یا نهاد مشخص دیگری است و منظور از «مدیرکل جامعه ملل» و غیره مدیرکل جامعه ملل یا مقام مشخص دیگری است.

در بسیاری موارد، در توضیحات راهنمای یک معاهده آمده است که سند مورد بحث «به وسیله» یا «توسط» فلان اشخاص به امضا رسید. مثال: «عهدنامه مودت، بازرگانی، گمرکی، قضایی و کنسولی بین دولتین ایران و ایتالیا...» که به وسیله میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه، از طرف شاه ایران... و مارسل چروتی، سفیر فوق‌العاده

پادشاه ایتالیا،... در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۸۶۲... در تهران به امضا رسید...» (ص ۱۶۴). به کار بردن واژه‌های «به وسیله» یا «توسط» که در واقع ترجمهٔ by در زبان انگلیسی است و تنظیم جملهٔ دارای فاعل به گونه‌ای که با مفعول آغاز گردد با ساختار جمله‌بندی فارسی انطباق ندارد و در واقع استفاده از ساختار جملهٔ انگلیسی برای بیان مطلب با کلمات فارسی است. بعلاوه در این نوع جمله‌ها فاعل در حد اشیا و ابزار کار مانند قلم قرار می‌گیرد. به هر حال چنانچه لازم باشد به خاطر تأکید بیشتر مفعول در ابتدای جمله واقع شود بهتر است از «را» یا حرفهای مناسب

دیگر استفاده گردد. در این زمینه، مثال بالا را می‌توان به این ترتیب نوشت: «عهدنامه... را میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه از طرف شاه ایران... و مارسل چروتی سفیر فوق‌العاده پادشاه ایتالیا... در تهران امضا کردند.» با آرزوی موفقیت برای تهیه‌کنندگان راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبهٔ ایران با سایر دولت‌ها که زحمت فراوان و شایان تقدیر متحمل شده‌اند و به امید آنکه معاهدات مزبور و اسناد مربوط هرچه سریعتر چاپ و منتشر شوند و امکان شناخت بهتر تاریخ دورهٔ قاجار و پهلوی فراهم آید.

بهرام مستقیم

تلاش برای درک بهتر روابط بین‌الملل

Dougherty, James E.; Pfaltzgraff, Robert L. *Contending Theories of International Relations: A Comprehensive Survey*. 2nd ed. New York: Harper and Row Publishers, 1981.

Reynolds, P.A. *An Interoduction to International Relations*. 2nd ed. London: Longman, 1980.

نیست.

بر اثر گسترش دامنهٔ شناخت انسانها، تسلط یک نفر بر بخشی از شناخت مشکلتر شده، در نتیجه تقسیمهای بیشتری در بخشهای گوناگون شناخت صورت گرفته که به نوبهٔ خود تخصص‌گرایی هرچه بیشتر و در زمینه‌های محدودتر را در پی داشته است. در عین حال این گسترش شناخت، انسان را بیشتر نسبت به ارتبساط متقابل درونی تقسیم‌بندی‌های شناخت، که به طور مصنوعی صورت

شناخت امری یکپارچه است. بنابراین درک کامل هیچ جنبه‌ای از هستی بدون درک کامل همهٔ جنبه‌های دیگر امکانپذیر نیست. اما به علت محدودیت توانایی‌های ذهنی، انسان نمی‌تواند جز بخشی از هر چیز را درک کند گرچه همین اندازه هم برای تصمیم‌گیری و عمل کردن کافی است. درک بخشی از هر چیز نیز جز با تقسیم کل شناخت به بخشهایی که ذهن بهتر بتواند دریابد و بر آنها احاطه پیدا کند امکانپذیر

بررسی‌های گوناگونی صورت گرفت و نظریه‌ها، مدلها و شیوه‌های تحلیل مختلفی ارائه گردید. هدف از این مطالعات و بررسی‌ها تعیین مهمترین عناصر و متغیرها در روابط میان ملت‌ها بود. بعلاوه نظریه‌پردازان و ارائه دهندگان مدلها و شیوه‌های تحلیل قصد داشتند انبوه داده‌ها را چنان سازمان دهند که معنی یابد و آنچه رخ می‌دهد بهتر درک شود. اما فراوانی این مطالعات، نظریه‌ها و شیوه‌های تحلیل گوناگون، خود سردرگمی جدیدی برای پژوهندگان رشته روابط بین الملل ایجاد کرد. از سوی دیگر فروکش کردن وضعیت بحرانی در دوران تنش‌زدایی نیاز به یافتن راهی برای بیرون آمدن از سردرگمی جدید را افزایش داد. از این رو در اوایل دهه ۱۹۷۰ نوشته‌هایی منتشر شد که هدف آنها توضیح نظریه‌ها و شیوه‌های تحلیل مختلف، همچنین دسته‌بندی آنها، بود. از آن میان می‌توان به دو کتاب مذکور اشاره کرد که هر دو برای نخستین بار در سال ۱۹۷۱ چاپ شده‌اند.

نویسندگان کتاب نظریه‌های متعارض روابط بین الملل اظهار می‌دارند که در دهه ۱۹۶۰ در جریان سمینار نظریه‌های روابط بین الملل در دانشگاه پنسیلوانیا آگاه شدند که دانشجویان احساس می‌کنند با رهیافتهای بسیار متنوعی در زمینه روابط بین الملل مواجه‌اند. لذا در سال ۱۹۷۱ چاپ نخست کتاب حاضر را منتشر کردند تا نظمی در میان انبوه نظریات به وجود آید. آنان اظهار می‌دارند که در این کتاب کوشیده‌اند به جای تأکید بر یکی از نظریه‌های مهم، دانشجویان

گرفته، آگاه کرده است. بنابراین عموماً پذیرفته شده که تخصص‌گرایی بیش از حد، امکان درک جامع‌تر را از میان می‌برد. یک راه برای مقابله با این مشکل، انباشت داده‌های مختلف در حجم عظیم در بانکها و مراکز اطلاعاتی مجهز به کامپیوتر است، به نحوی که در صورت نیاز هر لحظه در دسترس باشد. به این ترتیب ذهن انسان برای کار بر روی اصول و فرضیه‌ها و روابط آنها با یکدیگر آزاد می‌شود.

تاجایی که به روابط بین الملل مربوط می‌شود، گردآوری داده‌های مربوط هنوز جنبه ابتدایی دارد؛ زیرا این رشته مطالعاتی کاملاً نوظهور است. نخستین کرسی روابط بین الملل در سال ۱۹۱۹ ایجاد شد و تحول و تکامل واقعی این رشته تنها پس از جنگ جهانی دوم صورت گرفت. ضربه جنگ جهانی دوم، جنگ سرد، و موج استعمارزدایی بخشهای بزرگی از افکار عمومی را متوجه مسائل بین المللی کرد. بنابراین مسائل بین المللی از قلمرو صلاحیت متخصصان رشته‌های تاریخ، حقوق، اقتصاد، علم سیاست، جامعه‌شناسی و جز آن خارج شد.

بعلاوه مطالعه روابط بین الملل از حالت تجویزی بیرون آمده و صورت توصیفی و تشریحی گرفته است. در این رشته مطالعاتی ارائه راههای رسیدن به چیزی که فرض می‌شد همه خواهان رسیدن به آن هستند، جای خود را به بررسی آنچه مردمان می‌خواهند و اینکه چرا آنان به صورت گروههای سازمان‌یافته خاص درآمدند و به چه علت رفتارهای مشخصی را دارند داده‌است و به همین دلیل مطالعات و

را با تعداد هرچه بیشتری از نظریه‌ها، اعم از سنتی و جدید، دستوری و علمی، و جز آن آشنا کنند. کتاب مروری جامع بر نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل است و در آن نظریه‌های مهم خلاصه و فشرده شده‌اند. مؤلفان تلاش کرده‌اند که نظریه‌های گوناگون را به نقد بکشند و در موارد ممکن، نقاط تلاقی این نظریات با یکدیگر را نشان دهند.

نویسندگان کتاب معتقدند به علت تغییر شیوه‌های تفکر در محافل علمی، برای دانشجویان اهمیت دارد که علاوه بر نظریه‌های کنونی با نظریه‌های گذشته مربوط به روابط بین‌الملل نیز آشنا شوند. بنابراین، گرچه بیشترین توجه به نظریه‌های ارائه شده در دوران پس از جنگ جهانی دوم معطوف است، اهمیت تشریح‌های مختلفی را که در زمانهای گذشته از پدیدارهای روابط بین‌الملل به عمل آمده‌اند و در حال حاضر منسوخ شده‌اند نمی‌توان نادیده گرفت؛ چرا که ممکن است برای جهان معاصر کاربردهایی داشته باشند یا در آینده سودمند واقع شوند.

به نظر مؤلفان کتاب، در بررسی تحوّل نظریه‌های روابط بین‌الملل باید رهیافتی مبتنی بر استفاده از رشته‌های مختلف علمی داشت، بنابراین آنان کوشیده‌اند با استفاده از یافته‌های علم سیاست، تاریخ، اقتصاد، جغرافیا، روان‌شناسی، زیست‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، استراتژی نظامی و دیگر رشته‌ها، افکار برخی از اشخاص برجسته را گردآورند؛ زیرا روابط بین‌الملل زمینه‌ای گسترده و پیچیده است و هیچ نظریه‌ای به تنهایی نمی‌تواند پاسخ همه مسائل را بدهد.

در چاپ دوم کتاب، مطالب کاملاً مورد تجدید نظر قرار گرفته و به روز شده است. حدود ۱۰ درصد متن چاپ نخست در چاپ اخیر حذف یا فشرده شده و برای اطمینان از اینکه تحولات مهم جدید در زمینه نظریه‌های روابط بین‌الملل در چاپ جدید وارد گردد، حدود ۴۰ درصد به متن افزوده شده است. کتاب شامل سیزده فصل بدین شرح است: فصل یکم: رهیافتهای نظریه‌ای در مورد روابط بین‌الملل؛ فصل دوم: نظریه‌های محیط زیستی؛ فصل سوم: قدرت و نظریه واقع‌گرا؛ فصل چهارم: نظریه‌های سیستمی سیاست و روابط بین‌الملل؛ فصل پنجم: نظریه‌های قدیمی برخورد (جنگ)؛ فصل ششم: نظریه‌های اقتصادی امپریالیسم و جنگ؛ فصل هفتم: نظریه‌های متکی بر ویژگی‌های فردی در مورد برخورد خشونت‌آمیز؛ فصل هشتم: نظریه‌های متکی به ویژگی‌های اجتماعی در مورد برخورد خشونت‌آمیز؛ انقلاب و جنگ؛ فصل نهم: نظریه‌های متکی به ویژگی‌های اجتماعی در مورد برخورد خشونت‌آمیز؛ بازدارندگی هسته‌ای و کنترل تسلیحات؛ فصل دهم: نظریه‌های ادغام بین‌المللی، منطقه‌گرایی، همبستگی در چارچوب اتحاد؛ فصل یازدهم: نظریه‌های تصمیم‌گیری؛ فصل دوازدهم: نظریه بازی‌ها، چانه‌زنی، و شبیه‌سازی؛ فصل سیزدهم: مطالعات بین‌المللی: آن سوی دهه ۱۹۷۰.

مؤلف کتاب مقدمه‌ای بر روابط بین‌الملل اظهار می‌دارد که تا این اواخر نظریه‌ها و شیوه‌های تحلیل مختلف به دو دسته تقسیم می‌شدند، یک دسته نظریه‌ها و

همه سودمندتر یافته است.

بر پایه طرح اشاره شده، کتاب حاضر چهار بخش دارد. بخش نخست که مقدمه محسوب می‌شود و شامل فصل اول کتاب است، سعی دارد روشن کند که روابط بین‌الملل چیست؟ بخش دوم شامل فصلهای دوم تا هفتم، نظریه‌های مربوط به روابط بین‌الملل خرد را بررسی می‌کند. فصل دوم به بازیگران توجه دارد و فصل سوم به مسئله سیاست خارجی در خدمت منافع ملی. فصلهای چهارم و پنجم که عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را بررسی می‌کنند به ترتیب به محیط داخلی و محیط بین‌المللی توجه دارند. فصل ششم دستیابی به هدفها را مورد بررسی قرار می‌دهد و فصل هفتم جریانهای سیاستگذاری را. بخش سوم نظریه‌ها و شیوه‌های تحلیل مربوط به روابط بین‌الملل کلان را مد نظر قرار می‌دهد و شامل فصلهای هشتم تا یازدهم کتاب می‌شود. بحث فصل هشتم به نظامهای بین‌المللی مربوط می‌گردد و فصل نهم به بررسی نظامهای مختلف دولت اختصاص دارد. فصل دهم نظامهای رفتاری را بررسی می‌کند و فصل یازدهم تغییر شکل نظام را. بخش چهارم نیز که شامل فصل دوازدهم است، در بررسی پیوندهای روابط بین‌الملل خرد و کلان مسائل مربوط به وابستگی متقابل، گرایشهای فوق ملی و سیاستهای برقراری پیوند را مورد توجه قرار می‌دهد.

شیوه تحلیل‌هایی که توجه را بر افراد، گروهها یا سازمانهایی متمرکز می‌گردانند که بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی به شمار می‌آیند. نویسنده این دسته را روابط بین‌الملل خرد (**Micro- International Relations**) می‌نامد. دسته دوم آنهایی را شامل می‌شود که روابط بین‌الملل را به صورت مجموعه‌های بسیار متنوعی از کنشهای متقابل به تصویر می‌کشند و به طور عمده به ماهیت آن کنشهای متقابل و اینکه چگونه و چرا کنشهای مزبور تغییر می‌کنند یا ثابت می‌مانند توجه دارند. از نظر نویسنده کتاب این دسته را می‌توان روابط بین‌المللی کلان (**Macro International Relations**) نام نهاد. سرانجام به دسته سوم از تحلیلگران جدید اشاره می‌کند که معتقدند دو دسته نظریه خرد و کلان در زمینه روابط بین‌الملل به طور جداگانه تحول جهان در دهه گذشته را بدرستی بیان نمی‌کنند و بنابراین پیوندهایی میان این دو دسته برقرار می‌سازند.

مؤلف کتاب می‌گوید با وجود آنکه فراوانی بیش از حد نظریه‌ها و شیوه‌های تحلیل در واقع جنگلی را به وجود آورده که انسان نیازمند راهنمایی برای به سلامت بیرون رفتن از آن است، اما قصد تدوین این کتاب فراهم آوردن راهنمایی جامع برای راهیابی در میان انبوه نظریه‌ها، مدلها و شیوه‌های تحلیل نیست، بلکه بررسی پاره‌ای رهیافتهاست که نویسنده آنها را برای درک روابط بین‌الملل از

سازمان ملل، جهان متفرق: نقش سازمان ملل در روابط بین الملل

**United Nations, *Divided World: The UN's Roles In International Relations.*
Adam Roberts and Benedict Kingsbury (editors). Oxford: Clarendon Press,
1988. 287p.**

باتوجه به واقعیات سیاسی چگونه می‌تواند تحرك بیشتری داشته باشد. ایوان لورد، یکی از نویسندگان کتاب، در بخش آخر، خلاصه مطالب را مطرح می‌کند و در ده مورد، برنامه پیشنهادی خود را ارائه می‌دهد که جنبه‌های مثبت و امیدوارکننده آن زیاد است.

بخش نتیجه‌گیری که دوکوهه یار آن را نوشته و با تحلیل توماس فرانک، یکی دیگر از نویسندگان کتاب، همراه است، حاوی مطالبی جالب برای کسی است که قصد دارد در مورد بحران بین‌المللی تحقیق کند. این بخش نقش دبیرکل در حفظ صلح و امنیت جهانی را با توجه به منشور ملل متحد تشریح می‌کند و در آن موارد تضاد و مغایرت این نقش با دیپلماسی خصوصی که عملاً اجرا می‌شود مطرح می‌گردد.

در این قسمت، دوکوهه یار توضیح می‌دهد که به عنوان تنها کانال ارتباطی بین طرفهای درگیر در جنگ افغانستان، خلیج فارس و جنوب لبنان و نیز قبرس کار کرده است. او موارد بازدارنده و مشکلات بر سر راه را ذکر می‌کند. او خاطرنشان می‌سازد با تمام اختیاراتی که دبیرکل یافته، شورای امنیت مسئولیت اصلی را به عهده دارد و وی نقش

عبارت فوق عنوان کتابی است که گروهی از اعضای برجسته سازمان ملل از جمله خاویر پرز دوکوهه یار و دانشمندانی چون مایکل هوارد، تاریخ‌نویس انگلیسی، نوشته‌اند و در آن مشکلات و خواستهایی را که سازمان ملل با آن مواجه است را مورد تحلیل قرار داده‌اند. کتاب، مسئولیت اولیه سازمان ملل در مورد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی و امور دیگری چون توسعه اقتصادی، حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را مرور می‌کند. به‌رغم پیچیدگی موضوع، مطالب به‌طور روشن تشریح شده‌اند. نویسندگان کتاب سعی دارند نقاط منفی و ضعف سازمان را با بیطرفی مشخص کنند. مایکل هوارد از کوتاهی‌های این سازمان انتقاد می‌کند و یادآور می‌شود که سازمان ملل در انجام اولین وظیفه خود، یعنی ایجاد نظام جدید جهانی که در آن اعضا از حمایت قدرت کل نظام بهره‌مند شوند، قصور کرده است. هوارد نابسامانی‌ها و رقابتهای جهانی را مورد بحث قرار می‌دهد و رسیدن به یک نظام جدید جهانی را توصیه می‌کند که می‌تواند «نابسامانی‌های مزبور را کاهش بدهد». اغلب بخشهای کتاب به این سؤال توجه دارد که سازمان ملل چه می‌کند و

سازمان ملل در نیل به یک تحول داخلی را زیر سؤال می‌برد. از نظر او کوتاهی و شکست اصلی سازمان و توجه روزافزون به مسائل حاشیه‌ای ناشی از عدم توان آن برای ایجاد یک چارچوب سیاسی است که قادر باشد به مسائل بین‌المللی پاسخی همه‌جانبه بدهد. وی به عنوان نمونه، چارچوب کاری را مثال می‌زند که بر کنفرانس اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی و یا جامعه اقتصادی اروپا حاکم است و می‌گوید که البته این امور از سازمان ملل جدا هستند. برای درمان مشکل، برتراند توصیه می‌نماید شورای امنیت اقتصادی در سازمان ملل ایجاد شود که در زمینه اقتصادی اختیارات رسمی و بافت تصمیم‌گیری مؤثر شورای امنیت را دوبرابر می‌کند. وی نتیجه این کار را رضایت عموم مردم می‌داند.

پشتیبان را بازی می‌کند. دبیرکل همچنین خودداری از توسل به ماده ۹۹ منشور ملل متحد را به این ترتیب توجیه می‌کند که طرح یک قضیه، به طور رسمی، در شورای امنیت ممکن است یک درگیری و مشکل بین‌المللی ایجاد کند. نویسندگان دیگر، ایوان لورد و آنتونی پارسون برعکس دبیرکل نظر می‌دهند و می‌گویند که دبیرکل با اقدام جسورانه و به‌کارگیری ماده ۹۹ اختیارات و قدرت اجرایی خود را در برابر شورای امنیت اعمال می‌کند و یک نقش فعال‌تر به دست می‌آورد. این قسمت حاوی بحث جالبی است که در آن به عدم تمایل مقامات پیشین دولت انگلیس به توسل دبیرکل به ماده ۹۹ اشاره شده است. موریس برتراند، برعکس خوشبینی دیگر نویسندگان کتاب در مورد سازمان ملل، با بدبینی به قضیه نگاه می‌کند و توانایی

استراتژی معاصر

Baylis, John; Booth Ken; Garnell, John; William, Phil. Contemporary Strategy. Vol.I: «Theories and Concepts»; Vol.II: «The Nuclear Power». New York: Holmes and Meier, Second Edition, Revised and Enlarged, 1987.

می‌یابد. جلد دوم می‌کوشد سیاستهای دفاعی ایالات متحد آمریکا، اتحاد شوروی، چین، بریتانیا و فرانسه را از هنگام جنگ جهانی دوم تا نیمه دهه ۱۹۸۰ توضیح دهد و تحلیل کند. نویسندگان کتاب درصدد برنیامده‌اند سیاست دفاعی هر یک از این دولتها را در چارچوب لایتغیری قرار دهند، بلکه در هر مورد بر یک

در این کتاب تجدید چاپ شده دوجلدی، چهار کارشناس مسائل استراتژیک، برنامه‌ریزی و اجرای استراتژی نظامی و غیرنظامی را مورد بررسی قرار می‌دهند. جلد نخست با بحث از ماهیت و ارزیابی استراتژی و نقش در حال تغییر نیروی نظامی آغاز می‌شود و با تعیین و بحث درباره برخی از مهمترین مفاهیم در تفکر استراتژی معاصر ادامه

مسائل و چشم‌اندازهای آتی توجه شده است. علاقه‌مندان به مطالعات تطبیقی می‌توانند از این برداشتها و یافته‌ها برای تعیین تشابهات و تضادهای میان سیاستهای قدرتهای بزرگ هسته‌ای سود ببرند. جلد نخست کتاب با ده فصل در ۳۱۸ صفحه و جلد دوم با شش فصل در ۲۰۴ صفحه در ۱۹۸۷ منتشر شده است.

رشته از موضوعها توجه کرده‌اند، ضمن آنکه هر یک از نویسندگان اختیار داشته‌اند آن ابعاد سیاسی را که مشخص یا منحصر به فرد دانسته‌اند در موضوعهای مربوط به خودشان بسط دهند. بنابراین در هر فصل به زمینه تاریخی، به رابطه میان تعهدات و توانایی‌ها، به توازن میان سلاحهای هسته‌ای و متعارف، به تفکر استراتژیک، به بُعد داخلی سیاست دفاعی، به تصمیم‌گیری دفاعی، اتحادها، و به

فن جنگ در جهان غرب

Jones, Archer. *The Art of War in the Western World*. London: Harrap, 1988.

کتاب فوق، جدیدترین کتابی است که در مورد بررسی شیوه‌های جنگیدن و چگونگی استفاده مطلوب از نیروی انسانی و امکانات نظامی و تدارکاتی در جهان غرب منتشر شده است. آرچر جونز استاد بازنشسته تاریخ و رئیس سابق دانشگاه داکوتای شمالی آمریکاست. وی مدت ۳۵ سال به تدریس تاریخ علوم نظامی اشتغال داشته و عضو «هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد مشترک آمریکا»، «کمیته مشورتی مورخان» وابسته به ارتش آمریکا و «هیئت امنای انستیتو نظامی آمریکا» بوده است. وی علاوه بر تدریس و تحقیق در دانشکده‌ها و مؤسسات نظامی آمریکا، در زمینه مسائل نظامی تألیفات متعددی ارائه داده است که از جمله می‌توان به کتابهای استراتژی مشترک از *Shiloh* تا *Vickburg*، روشهای فرماندهی، نظریات و تقسیمات در فرماندهی مشترک و تاریخ نظامی جنگهای آمریکا اشاره کرد. گفته می‌شود که کتاب فن جنگ در جهان غرب حاصل سالها مطالعه، تحقیق و تدریس نویسنده است. مطالعه این کتاب به فرماندهان ارتش و سپاه، متخصصان و پژوهشگران نظامی توصیه می‌گردد.*

شکستها و پیروزی‌ها سبب بروز تغییرات بسیار اساسی در احوال اقوام گذشته شده و چه بسا به نابودی و اضمحلال کلی یک طایفه، قبیله، قوم و یا ملت منجر شده است.

جنگها که تاریخی به دیرپایی حیات بشر دارند، از آن دسته پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌آیند که نقشی چشمگیر و تأثیری قطعی در تحولات جوامع بشری داشته‌اند.

* معرفی کتاب را دفتر نمایندگی خبرگزاری جمهوری اسلامی در لندن تهیه کرده است.

که به بار آورده اند نگاه کرد و یا از آن جهت که منشأ تحولات اجتماعی و اقتصادی شده اند، به بحث درباره تاریخچه آنها، علل پیدایش و دوام و گسترششان پرداخت، و یا از تأثیر آنها بر دیدگاه فلسفی و مذهبی مردمان سخن گفت.

کتاب فن جنگ در جهان غرب نوشته آرچر جونز آمریکایی، از میان زوایای مختلفی که برای نگریستن به مسئله جنگ وجود دارد، تنها به یک زاویه بسنده کرده و کوشیده است تغییراتی را که در شیوه‌های عملیاتی جنگها از گذشته تا کنون حاصل شده است، مورد ارزیابی قرار دهد؛ یعنی تغییراتی که در تاکتیک، استراتژی و لجستیک جنگها در طول تاریخ پدید آمده است.

روش نویسنده در تدوین و تنظیم مطالب صرفاً بازگویی روایات تاریخی نیست، بلکه در هر مورد از تفسیر و توضیح و تحلیل رویداد مورد نظر از آن جهت که به موضوع کتاب مربوط می‌شود، خودداری نکرده است.

فرضیه اصلی مورد بحث نویسنده این است که به رغم پیشرفتهای چشمگیری که در ساخت جنگ افزارها حاصل شده، میزان تغییرات در تاکتیکهای نظامی آنقدر گسترده نبوده است که بتوان سخن از نوعی انقلاب به میان آورد و در این زمینه بیشتر پیوستگی و تداوم حاکم بوده است تا گسستگی و جهش.

نویسنده برای اثبات نظر خود، به شواهد تاریخی متوسل می‌شود، اما تأکید می‌کند که در هر مورد تنها تا آنجا به نقل جزئیات حوادث می‌پردازد که به روشن شدن

نگاهی به تاریخ همه ملتها، چه آنها که اکنون جز نام چیزی از ایشان باقی نمانده و چه آنها که هنوز در صحنه روزگار با ضعف یا قوت به تکاپو برای بقا ادامه می‌دهند نشان می‌دهد که اولاً هیچ ملتی از جنگ و تبعات آن برکنار نبوده است، ثانیاً جنگها نه فقط سبب بروز تحولات و تغییرات مادی شده اند، بلکه سرچشمه و منشأ بسیاری از دگرگونی‌های روحی و معنوی ملتها نیز بوده اند.

بروز و ظهور فلسفه‌ها و آیینهای گوناگون و یا تکمیل اختراعات و تحقیقات و اکتشافات شگفت‌انگیز در ایام وقوع جنگهای گسترده و پر دامنه، شواهدی عینی بر این مدعاست. مشهور است که هگل، فیلسوف نامدار آلمانی، هنگامی که از پنجره اطاق خود شاهد عبور پیروزمندان ناپلئون، سوار بر اسبی سپید و کوه پیکر و مهیب، از خیابانهای شهر برلین بود، نظریه مشهورش درباره روح جهانی و تقدیر تاریخ به او الهام شد. کلبی مسلکان یونان نیز فلسفه خود را مدیون احوال رقت بار یونان بعد از سالها جنگ و خونریزی تباه کننده میان آتن و اسپارت هستند.

پروفسور فون براون، دانشمند مشهور آلمانی و طراح اصلی موشک آپولو که نخستین انسان را بر سطح کره ماه نشانید، برای اولین بار در تاریخ تکنولوژی، موشکهای دوربرد وی-۱ و وی-۲ را در ایام جنگ جهانی دوم و برای موشکباران مستقیم لندن از داخل خاک آلمان، اختراع کرد.

جنگها را از زوایای گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد، برای مثال می‌توان بدانها از حیث میزان خسارات انسانی و مالی

علل به فراموشی سپرده شده است. به بیان دیگر، نویسنده با تأکید بیش از حد بر اهمیت عامل نظامی خواسته است به خواننده ای که از اهمیت دیگر عوامل - نظیر عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - در جنگها اطلاع دارد، القا کند که عامل نظامی نیز اهمیتی کم و بیش در حد عوامل مذکور دارد و نقش آن در شکل دادن رویدادها اگر بیشتر از علل دیگر نباشد، از آنها کمتر نیست.

موضوع جالب دیگری که نویسنده در خلال مباحث کتاب و از طریق ارائه نمونه های گوناگون برای خواننده بازگو می کند، این است که در موفقیت اهداف نظامی آنچه اهمیت اصلی و اساسی دارد، مجموعه سازمان و تشکیلات است و نه فقط کیفیت رهبری، درست همان طور که در یک نظام اقتصادی نیز مجموعه همه متغیرهاست که در دستیابی به هدف رفع نیازهای اقتصادی نقش بازی می کند.

نویسنده با این جهت گیری کوشیده است تا در تحلیل رویدادهای نظامی علل پیروزی یا شکست فرماندهان را با توجه به همه عوامل نظامی موجود بررسی کند و از قضاوت عجولانه و نسبت دادن رویدادها به بخت و اقبال و تصادف و یا دخالت دادن عواملی که در هنگام وقوع رویداد مورد نظر برای کسانی که در ماجرا شرکت داشته اند، روشن نبوده، خودداری ورزد.

از آنجا که غرض نویسنده ارائه تحلیلی از رویدادها و حوادث نظامی بر اساس علل و عوامل عمدتاً نظامی بوده است، در نتیجه، منابع ثانوی عمدتاً به عنوان منبع و

موضوع مورد بحث کمک کند و از آنجا که وجهه نظر اصلی او بررسی تغییراتی است که در شیوه عملیات نظامی در گذشته و حال واقع شده، از پرداختن به مسائلی نظیر جنبه های روانی و احساسی و اخلاقی جنگ و یا ابعاد سیاسی آن خودداری می کند و از ورود در بحثهایی نظیر تأثیر محیط روانی و فیزیکی بر نیروهای مسلح که اخیراً مورد توجه کارشناسان نظامی واقع شده است، پرهیز می کند.

بعلاوه برای جلوگیری از گسترده شدن ناخواسته موضوع و برای تمرکز حول مطلب اصلی، نویسنده تعریف مختصر و مفیدی از استراتژی عرضه می کند و از تعاریف جامع و مانع استراتژی و نیز تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی، در شکل دادن به این تعریف و تحدید حدود آن صرف نظر می کند.

دلیل نویسنده برای اتخاذ این موضع خاص در قبال موضوع رساله حاضر، بنا به ادعای خود او این است که در سایر زمینه ها کتب و مقالات به حد اشباع وجود دارد، در حالی که تاریخ تحلیلی عملیات نظامی و تاکتیکهای مورد استفاده در جنگها کمتر طرف توجه واقع شده و محققان اقبال کمی بدان نشان داده اند.

یکی دیگر از نکات مورد اشاره نویسنده - هرچند با صراحت آن را ذکر نمی کند - این است که برای تحلیل رویدادهای نظامی، توجه به عوامل و علل نظامی کفایت می کند. البته او خود معترف است که این نظر تا اندازه ای اغراق آمیز است، اما آنچه توسل بدان را موجه می سازد، جنب توجه خواننده به علتی است که بیش از سایر

مأخذ در نظر گرفته شده و به اصل اسناد و منابع دست اول مربوط به حوادث مراجعه نشده است.

با این وجود، تکیه بر منابع ثانوی البته سبب آن نشده است که کتاب برای اهل فن و متخصصان امور نظامی فاقد ارزش گردد. توصیه نویسنده برای این دسته از خوانندگان آن است که مطالعه خود را از فصل‌نهایی کتاب آغاز کنند و آنگاه اگر به مورد خاصی در فصل‌های اولیه علاقه داشتند، به‌طور گزینشی، خود را بدان محدود سازند. برای خواننده غیرمتخصص و علاقه‌مند شاید همان ترتیب طبیعی مطالعه فصول به نوبت از ابتدا تا به انتها مناسبتر و مفیدتر باشد.

منابع ثانوی مورد استفاده نویسنده در زمره بهترین آثاری هستند که تاریخ جنگها و عملیات نظامی را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و نویسنده در بخش یادداشتهای فهرستی از این منابع را جمع‌آوری کرده است. از جمله این آثار می‌توان به جستجوی قدردت اثر ویلیام مک‌نیل، جنگ در جهان معاصر نوشته تئودور راپ و کتاب ارزشمند رابرت کوکلی با عنوان راهنمایی برای مطالعه و استفاده از تاریخ جنگ اشاره کرد. در کتاب فن جنگ، مهمترین جنگ‌هایی که در تاریخ ثبت شده‌اند از دیدگاه تاکتیک، استراتژی و لجستیک، بررسی شده‌اند. در زمره نمونه‌های مورد اشاره نویسنده می‌توان به جنگ میان مصر و اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳ اشاره کرد.

آرچر جونز به موضوع جنگ‌های چریکی نیز اشاره کرده و آنها را مورد بحث قرار

داده است. البته او خود اذعان می‌کند که اطلاعات اصلی در خصوص جنگ‌های چریکی را از مطالعه آثار مائوتسه‌تونگ به دست آورده است. در بحث از نمونه‌های مختلف جنگها، نویسنده توجه داشته است که نوعی توازن میان موارد جنگ در زمین، دریا و هوا برقرار سازد و به همه این انواع در حد امکان بپردازد.

حاصل تلاش آرچر جونز کتاب نسبتاً قطوری مشتمل بر دوازده فصل و بیش از ۷۰۰ صفحه شده است که می‌تواند به‌عنوان یک کتاب درسی در دانشکده‌های نظامی مورد استفاده قرار گیرد و به‌عنوان منبعی برای تکمیل اطلاعات و یا تجدید و یادآوری دانسته‌ها و نیز آشنایی با یک دیدگاه نسبتاً جدید در دسترسی متخصصان و مطّمان نظامی گذاشته شود. نشر کتاب روان و خواندنی است و اطلاعات تاریخی کتاب برای خواننده غیرمتخصص نیز قابل هضم است.

فصول مختلف کتاب عبارت‌اند از:

- فصل ۱. جنگ‌های باستانی
- فصل ۲. تنوع انواع جنگها در قرون وسطی (۳۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی)
- فصل ۳. ظهور تاکتیک تازه از ترکیب نیروهای مسلح (۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰)
- فصل ۴. تحول در تاکتیک‌های ترکیبی (۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰)
- فصل ۵. تقدم و اهمیت جبهه بیونند موسکتس (۱۷۰۰ تا ۱۷۹۱)
- فصل ۶. تغییرات استراتژیکی و تاکتیکی در دوران انقلاب کبیر فرانسه
- فصل ۷. تغییرات تکنولوژیک و ثبات

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵)
فصل ۱۱. دوران پس از جنگ جهانی
دوم: دوران تحکیم موقعیت و تغییرات
تکنولوژیک
فصل ۱۲. تغییر و تداوم

نظریه‌ها در خصوص جنگ (۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴)
فصل ۸. نقطه اوج دفاع - جنگ
جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸)
فصل ۹. درآمدی بر تجدید منازعات
(۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹)
فصل ۱۰. نقطه اوج جنگهای امروز-

مقدمه‌ای بر سیاست تطبیقی در خاورمیانه

Borthwick, Bruce. *Comparative Politics of the Middle East, An Introduction.* Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc., 1980. 308p.

سوسیالیسم و مارکسیسم را که همراه با این تغییرات به وجود آمده‌اند، نظر می‌افکند. این فصل در پنج بخش به رشته تحریر درآمده است؛ ۱. مقدمه؛ ۲. تأثیر جغرافیا بر جامعه و سیاست؛ ۳. ملت‌های خاورمیانه؛ ۴. تحولات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی پس از سال ۱۷۹۸؛ و ۵. تغییرات ایدئولوژیک پس از سال ۱۷۹۸.

فصل دوم کتاب سیاست پنج کشور خاورمیانه‌ای، یعنی لبنان، اسرائیل، ترکیه، مصر و ایران را بتفصیل توضیح می‌دهد. در مطالعه هر کشور بحثهایی در مورد جغرافیا و اقتصاد، فرهنگ سیاسی، ساختار سیاسی، رهبری سیاسی و خط مشی سیاسی به عمل می‌آید و به دنبال آن، مروری بر رویدادهای مهم سیاسی آن کشور صورت می‌گیرد. کتاب با فهرست لغات، کتابنامه و نمایه خاتمه می‌یابد.

خاورمیانه شاید پیچیده‌ترین و بالقوه انفجارآمیزترین منطقه جهان باشد. این منطقه به عنوان منبع اصلی تأمین کننده نفت ژاپن، اروپای غربی و ایالات متحد آمریکا شایسته هرگونه توجه و درک بهتر مسائل مربوط به آن است، بویژه اگر چنین توجهی به سیاست منطقه مربوط گردد.

کتاب سیاست تطبیقی خاورمیانه، با نثری روان و دیدگاهی تحلیلی، به نحوی ماهرانه تاریخ و علم سیاست را در هم می‌آمیزد. نوشته مزبور بر تحقیقات جامع، بررسی‌های کارشناسان و ملاحظات شخصی نویسنده طی اقامت و سفرهایش در خاورمیانه مبتنی است.

فصل نخست کتاب، تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را که از اوایل سده نوزدهم در سراسر منطقه رخ داده است مورد تحلیل قرار داده، به چهار جنبش سیاسی عمده، یعنی دموکراسی، بنیادگرایی اسلامی،

قدرتها در خاورمیانه

Bernard, Reich (ed.). *The Powers in the Middle East*. New York: Praeger, 1987. 351p.

در بحث از اروپا (فصل سوم) نه تنها نقش بریتانیا و فرانسه، یعنی بازیگران سنتی در منطقه، بلکه همچنین نقش جامعه اروپا به عنوان بازیگری جدید، که درصدد گسترش دیدگاه اتحاد اروپاست، بررسی می‌گردد. در فصل چهارم، که به آسیا می‌پردازد، نقش عمدتاً اقتصادی ژاپن و کره جنوبی، و همین طور مورد خاص چین مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه به عمل آمده می‌کوشد در دو فصل، منافع، هدفها، سیاستها و دستاوردهای قدرتهای فعال در منطقه و همچنین رقابت و همکاری میان آنان را بشناساند. در این مطالعه هم فعالیتهای پیشین قدرتها مد نظر بوده و هم کوشش شده دستاوردهای آتی آنها ارزیابی گردد. سرانجام باید خاطرنشان ساخت که نگارش مباحث فوق بر عهده نویسندگان مختلف بوده است که هر یک سابقه مطالعه و تدریس ممتدی در زمینه روابط بین‌الملل، خاورمیانه و بویژه نقش قدرتهای خارجی در این منطقه دارند.

خاورمیانه سده‌های متمادی است که در کانون توجه بین‌المللی قرار دارد. این توجه پس از جنگ دوم بیشتر شده است. قدرتهای متعددی - اعم از منطقه‌ای یا غیرمنطقه‌ای، بزرگ یا کوچک - به دنبال کسب منفعت و حیثیت در منطقه بوده‌اند. در دهه‌های اخیر، خطر رویارویی ابرقدرتها نیز به مسائل دیگر افزوده شده، اهمیت استراتژیک منطقه را افزایش داده است.

هدف کتاب، بررسی سیستماتیک منافع، هدفها و سیاستهای بازیگران اصلی خارجی در صحنه کنونی خاورمیانه است. فصل مقدماتی ضمن بررسی خصوصیت استراتژیک منطقه، توجه اصلی را به اهمیت خاورمیانه در نیمه دوم سده بیستم معطوف داشته، توضیح می‌دهد که چرا این منطقه به صورت صحنه اصلی رقابت میان قدرتها درآمده است. در جریان تحلیل سیاست آمریکا و شوروی طی فصل دوم، به قدرتهای اصلی معاصر و رقابت‌هایشان در منطقه و همین طور قلمرو فعالیت سایر قدرتها نظر افکنده می‌شود.

قدرتهای درحال پیدایش؛ دفاع و امنیت در جهان سوم

Jones, Rodney W.; Hildreth, Steven A. *Emerging Powers; Defense and Security in the Third World*. New York: Praeger, 1986. 436p.

به شیوه‌های خاص. اما با وجود آنکه بر نقش سلاحهای مدرن و بر الگوهای احتمالی

این کتاب نگاهی است به مسئله دفاع و امنیت قدرتهای درحال پیدایش در جهان سوم

میزان توانایی مستقل و وابستگی دارند؛ شکلهای همکاری در زمینه مسائل امنیتی با ایالات متحد آمریکا چگونه است؛ و ناتوانی‌های بخشهای دفاعی هریک از قدرتهای درحال پیدایی چه میزان است. این بررسی همچنین مسائل امنیتی ناشی از گسترش سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای انهدام وسیع را ارزیابی می‌کند و سیاستهای چاره را که مانع ازدیاد خطرها خواهند شد، پیشنهاد می‌نماید. البته گفتنی است که این کتاب بیشتر برای سیاست خارجی آمریکا در قبال «قدرتهای درحال پیدایش» رهنمودهایی ارائه می‌دهد.

این کتاب را مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی جرج تاون آمریکا در سال ۱۹۸۶ منتشر کرده است.

کشاکش آتی در نواحی جهان سوم توجه دارد، چارچوب بررسی به طور عمده نظامی نیست؛ بلکه روشنگر مسائل و چشم‌اندازهای امنیتی قدرتهای درحال پیدایش در زمینه گسترده‌تر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هدفهای ملی توسعه و نوسازی، و موانع و امکاناتی است که قدرتهای درحال پیدایش منتخب این کتاب، در محدوده منطقه‌ای خود با آنها روبه‌رو هستند.

بررسیهای موردی «قدرتهای درحال پیدایش»، برای فهم راستایی که هر یک احتمالاً در مسائل منطقه‌ای پیش خواهند گرفت پایه و اساسی به وجود می‌آورد. این بررسی به چند نکته توجه دارد: هریک از قدرتهای درحال پیدایش برای پیشبرد ثبات منطقه، یا برای دفاع مؤثر از سرزمین و منافع خود، چه

تجهیز نظامی در خلیج فارس

Mattal, Morris Mehrdad. *The Arms Build up in the Persian Gulf*. New York: University Press of America, 1987. 235p.

گردید.
دوران استعمارزدایی پس از جنگ جهانی دوم، آثار سیاسی عمیقی در خاورمیانه برجا گذاشت. دولتهای جدیدی در صحنه سیاسی منطقه ظاهر گشتند. جامعه عرب تشکیل شد و با تأسیس دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، سلسله جنگهایی میان اعراب و اسرائیل رخ داد. انگلستان خروج تدریجی خود را از منطقه خلیج فارس آغاز کرد و در سال ۱۹۷۱ رسماً به حضور نظامیش در این منطقه

خلیج فارس منطقه‌ای است که اخیراً مورد توجه آکادمیک در غرب قرار گرفته است؛ زیرا در گذشته، اختلافات اعراب و اسرائیل ذهن کارشناسان را بیشتر به خود مشغول کرده بود. کشورهای خلیج فارس ملقمه‌ای از کهنه و نو هستند. اسلام میراث مشترک این کشورهاست. قدرتی که به طور سنتی از لحاظ فرهنگی و مادی در منطقه نفوذ داشته، انگلستان و در مقیاس کمتر، فرانسه بوده است؛ هرچند بعداً آمریکا نیز وارد صحنه

گرفته است. نویسنده علت این امر را تصورات و اهداف امنیت ملی متفاوت و متعارض کشورهای یادشده می‌داند.

کتاب در هشت بخش نگاشته شده است. سه بخش اول زمینه ایدئولوژیک در خاورمیانه، نفت و تسلیحات، و نقش ابرقدرتها را مورد بررسی قرار می‌دهد. سه بخش بعدی به تاریخ اخیر و خط‌مشی‌های نظامی کشورهای مورد مطالعه (یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی) می‌پردازد. دو بخش آخر کتاب به توضیح سیاست‌های دفاعی سه کشور و بررسی تحولات اجتماعی و اخذ تکنولوژی جدید اختصاص دارد.

در این نوشته کوشش شده خصوصیات مطالعات سنتی و دیدگاه‌های تطبیقی در مورد تحلیل سیاسی با هم مورد توجه قرار گیرد. نویسنده جوامع مورد نظر را مشروحاً بررسی نمی‌کند، بلکه بیشتر روی متغیرهایی تأکید می‌کند که کانون مطالعه را روشن می‌سازند. توجه به جنبه‌هایی از سنت تاریخی، فرهنگی و نظامی کشورهای مورد مطالعه تنها در حدی است که به آشکار ساختن تصورات کنونی در مورد مسائل و خط‌مشی‌های تضمین امنیت ملی این کشورها، کمک نماید.

پایان بخشید. پس از خروج انگلستان، قدرتهای بزرگ منطقه خلیج فارس (یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی) دست به تجهیز نظامی خود به گونه‌ای سیستماتیک زدند. دستیابی به سلاحهای جدید و پیچیده به این تجهیز اهمیتی ویژه داده است؛ زیرا منطقه خلیج فارس منبع اصلی تأمین کننده نفت اروپای غربی، ژاپن و به طور غیرمستقیم آمریکا به شمار می‌آید.

چهاربرابر شدن بهای نفت طی جنگ رمضان (۱۹۷۳) و اقدام کشورهای عربی در زمینه تحریم نفتی غرب، توجه جهان را به این منطقه معطوف داشت و ثروت عظیمی از دنیای صنعتی و حتی جهان سوم را به منطقه خلیج فارس سرازیر کرد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و آغاز جنگ عراق و ایران در سال ۱۹۸۰ به این توجه، ابعادی جدید بخشید و اهمیت منطقه خلیج فارس را در نظام بین‌المللی نمایانتر ساخت.

هدف کتاب مورد بحث آن است که تجهیز نظامی در منطقه خلیج فارس را در ارتباط با ایران، عراق و عربستان سعودی تشریح، تحلیل و ارزیابی کند و به این پرسش پاسخ دهد که چرا پس از سال ۱۹۷۳ تجهیز نظامی مداوم و فزاینده‌ای در منطقه صورت

اردن، سوریه و اسرائیل: سیاست داخلی و امنیت منطقه‌ای

Yorke, Valerie. *Domestic Politics and Regional Security: Jordan, Syria and Israel*. Aldershot, Hampshire: Gower, 1988.

خاورمیانه نشئت می‌گیرد؛ منطقه‌ای که در آن کشورهای خارجی برای خود منافع حیاتی

اهمیت استراتژیک اردن، سوریه و اسرائیل از قرارد گرفتن کشورهای مزبور در

کشورهای اردن، سوریه و اسرائیل را مورد تحلیل قرار می‌دهد. بخش دوم به بررسی روابط اردن و سوریه در چارچوب سیاست کشورهای عربی و دورنمای صلح میان اعراب و اسرائیل می‌پردازد و در خاتمه، نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

نتیجه‌گیری مهم این کتاب آن است که هرچه دهه ۱۹۸۰ به پایان خود نزدیکتر می‌شود، سیاست خاورمیانه نیز به پایان یک دوره نزدیکتر می‌شود. نویسنده کتاب بر این اعتقاد است که رهبری کشورهای اردن، سوریه و اسرائیل در موقعیت حساسی به سر می‌برند، زیرا ساختار سیاسی و اقتصادی، که قدرت رهبری بر آن مبتنی است، خود با مخالفتها و تنشهایی روبه‌روست. وی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که گرچه این سه دولت به عنوان واحدهای سیاسی همچنان وجود خواهند داشت، اما دوام ثبات سیاسی، سختگیری سیاسی و مرزهای فعلی آنها کمتر محل اطمینان خواهد بود.

در خاتمه باید متذکر شد که مؤلف کتاب از جمله کارشناسان مسائل خاورمیانه به شمار می‌آید و سابقاً نیز با مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک و همین‌طور مؤسسه سلطنتی امور بین‌المللی که هر دو از مؤسسات تحقیقاتی معروف انگلستان هستند، همکاری داشته است.

امنیتی قائل‌اند و برای حفظ این منافع، به دنبال کسب نفوذ و تسهیلات استراتژیک می‌باشند. هر سه کشور شدیداً با مناقشات اعراب و اسرائیل درگیرند و برای کسب حمایت نظامی به قدرتهای خارج از منطقه چشم دوخته‌اند. حمایتی که در گذشته ابرقدرتها را تا مرز رویارویی نظامی پیش بُرد و ضمناً می‌تواند اثر معکوس بر ثبات منطقه خلیج فارس و جریان نفت و تجارت داشته باشد. بعلاوه هر سه کشور همراه با فلسطینیان، در جریان یک مذاکره احتمالی با اسرائیل، ایفای نقش می‌کنند؛ جریانی که ابرقدرتها نیز می‌کوشند مشارکتشان را در آن حفظ نمایند.

با توجه به این ملاحظات، کتاب حاضر رابطه میان سیاست داخلی کشورهای اردن، سوریه و اسرائیل و امنیت منطقه خاورمیانه را مورد تحقیق قرار می‌دهد. در بررسی هر یک از این کشورها، عوامل داخلی و اقتصادی مؤثر بر تغییرات داخلی و قدرت تطبیق حکومت آنها در رویارویی با این عوامل به طور کامل مد نظر قرار می‌گیرد. به دنبال آن، آثار این روندهای داخلی بر امنیت منطقه، با توجه خاص به دورنمای همکاری میان اعراب و اختلافاتشان و جریان مذاکره با اسرائیل بررسی می‌گردد.

کتاب در دو فصل تنظیم شده است. بخش نخست مسائل سیاسی و اقتصادی داخلی

تجارت تکنولوژی با خاورمیانه

Emery, James J.; Graham, Norman A.; Oppenheimer, Michael F. *Technology Trade with the Middle East*. Colorado, Boulder: Frederick A. Praeger, 1986. 302p.

مطرح می‌کنند. این کتاب بر پایه گرایشهای جدید و ارزیابی از عوامل اصلی که بر تجارت تکنولوژی با خاورمیانه در دهه آینده اثر خواهد گذاشت، نوشته شده است.

این کتاب چهار فصل دارد. عنوان فصلها چنین است: ۱. گرایشهای تجارت تکنولوژی با خاورمیانه؛ ۲. عوامل مؤثر در تجارت تکنولوژی با خاورمیانه؛ ۳. گرایشهای آتی تجارت تکنولوژی با خاورمیانه؛ و ۴. سیاستهای ایالات متحد درباره تجارت تکنولوژی با خاورمیانه.

نویسندگان این کتاب گرایشهای توأم با رقابت ایالات متحد آمریکا، ژاپن و کشورهای اروپای غربی را درباره تجارت تکنولوژی پیشرفته با خاورمیانه مورد تحلیل قرار می‌دهند. آنها موفقیت نسبی کشورهای بزرگ صنعتی در تسخیر بازارهای کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه را ارزیابی می‌کنند؛ سهم حکومت ژاپن و حکومتهای اروپایی را در پیشبرد شرکتهای خود در بازارهای خاورمیانه می‌سنجند؛ و موقعیت شرکتهای آمریکایی در این بازار و اقدامات به عمل آمده از سوی حکومت ایالات متحد در پشتیبانی از آنها را

دولت در جامعه سرمایه‌داری؛ تحلیل نظام غربی قدرت

Miliband, Ralph. *The State in Capitalist Society; The Analysis of the Western System of Power*. London: Quartet Books Limited, 1987. 501p.

خود بگیرند. برای جلب نظر دولت، یا به خاطر یافتن کنترل بر آن، مردم دست به رقابت می‌زنند و در نتیجه برخلاف خواست دولت بر امواج کشاکش اجتماعی دامن می‌زنند. وقتی که مردم برای عملی کردن خواستهای خود به رقابت و کشاکش می‌پردازند در وهله نخست با دولت روبه‌رو می‌شوند. به همین دلیل مردم، به مثابه موجودات اجتماعی، موجودات سیاسی هم هستند، خواه این را بدانند یا نه. می‌توان

به گفته این کتاب، امروزه بیش از هر زمان دیگر مردم زیر سایه دولت زندگی می‌کنند. خواستهای مردم، چه به صورت فردی یا گروهی، اینک به طور عمده به تأیید و پشتیبانی دولت بستگی دارد. اما از آنجا که این تأیید یا پشتیبانی بی‌تبعیض نیست، مردم درصدد برمی‌آیند در قدرت و هدفهای دولت اعمال نفوذ کنند و به آن شکل دهند. یا می‌کوشند به طور کلی دولت را کاملاً در اختیار

مفصلتر، الگوی قدرت اقتصادی موجود در آن جوامع را مورد سنجش قرار می‌دهد؛ فصل سوم نهادهای اصلی «نظام دولتی» و ترکیب اجتماعی «نخبه دولتی» را مشخص می‌کند؛ فصل چهارم دربارهٔ هدفها و نقش حکومتها از لحاظ سرمایه‌داری پیشرفته بحث می‌کند؛ فصل پنجم نقشی را که کارمندان دولت، نظامیان و قضات ایفا می‌کنند مورد بحث قرار می‌دهد؛ فصل ششم به بررسی نقش دولت در رقابت میان «منافع» مختلف در جامعهٔ سرمایه‌داری اختصاص دارد؛ فصلهای هفتم و هشتم دربارهٔ «کارگزاری‌های گوناگون مشروعیت» از جمله احزاب، رسانه‌های همگانی و آموزش و پرورش بحث می‌کند؛ و سرانجام فصل نهم ارائه‌گر برخی جهات حرکت رژیمهای سیاسی سرمایه‌داری پیشرفته است.

این کتاب تاکنون دوازده بار تجدید چاپ و در ۵۰۱ صفحه منتشر شده است.

به آنچه دولت انجام می‌دهد علاقه‌مند نبود، اما نمی‌توان از اثر اقدامات آن برکنار ماند. همان طور که عنوان کتاب آقای میلی‌باند نشان می‌دهد، این کتاب با ماهیت و نقش دولت در «جوامع پیشرفته سرمایه‌داری» سرو کار دارد. بنا به دلایلی که نویسنده در مقدمهٔ کتاب خود ارائه می‌دهد، معتقد است که این جوامع، به‌رغم گوناگونی بسیارشان، به قدربسنده‌ویژگی‌های اساسی مشترکی دارند تا زمینه و محتوای کلی برای بررسی نقشی که دولت در آنها ایفا می‌کند، فراهم آورند. دیگر انواع جامعه، پرسشها و مسائل روی هم‌رفته متفاوتی در خصوص دولت مطرح می‌کند و نویسنده درصدد برنیامده است در اینجا به آن پرسشها و مسائل پاسخ دهد.

قالب‌بندی کتاب بدین شرح است: فصل اول به طور عمده به بررسی خصوصیات اصلی اقتصادی و اجتماعی جوامع پیشرفتهٔ سرمایه‌داری می‌پردازد؛ فصل دوم به طور

مبانی و تحولات سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا

Hartman, Frederick H.; Wendzes Robert L. *To Preserve the Republic: United States Foreign Policy*. New York: Macmillan Publishing Co., 1985. XVIII+427p.

Sarfaty, Simon. *American Foreign Policy in a Hostil World: Dangerous Years*. New York: Praeger Publishers, 1984. X+385p.

به دور از قاعده‌پردازی‌های ذهنی باشد و قواعد عینی حاکم بر مناسبات اجتماعی را معلوم نماید. بخشی از این شناخت به سیاست خارجی دولتها مربوط می‌شود که باید با

برخورد صحیح با دیگر دولتها و اتخاذ سیاست درست در قبال آنها، مستلزم داشتن شناخت علمی بی‌طرفانه از جمیع جهات، نسبت به آن دولتهاست؛ شناختی که باید

مطالعه و مقایسه دیدگاههای مختلف، از جمله دیدگاه پژوهشگران دولت موضوع مطالعه در مورد سیاست خارجی دولتشان و جهانی که سیاست مزبور در آن اجرا می‌شود، به دست آید.

کتابهای زیادی در مورد مبانی و تحولات سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا، در داخل و خارج از این کشور منتشر شده است. از کتابهای نویسندگان آمریکایی تعداد زیادی به جریان تحولات سیاست داخلی توجه دارند. برخی بر پایه این استدلال که تغییرات در دستگاه حکومت سبب می‌شود تفسیر آن از نقش آمریکا در سیاست خارجی تغییر کند، انتقال اداره حکومت از یک رئیس جمهوری به رئیس جمهوری دیگر را بررسی می‌کنند. کتابهای دیگری جریان دیوانسالارانه تصمیم‌گیری‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و یا به این دلیل که گروههای تأثیرگذار سیاست دولت (مثلاً در مورد محدود ساختن ورود اتومبیل‌های ژاپنی یا فولاد از خارج) را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نقش این گروهها را مطالعه می‌کنند. همه این تأکیدها مطلوب‌اند، اما مسئله این است که درجه مطلوبیت آنها چه اندازه است و اگر بر آنها زیاد تأکید شود، ابعاد دیگری از شناخت سیاست خارجی نادیده می‌ماند.

یکی از این ابعاد، توجه به دنیای خارج است. خارج از مرزهای آمریکا حدود یکصد و شصت دولت مستقل وجود دارد که اقدامات آمریکا بر آنها تأثیر می‌گذارد و اکثراً بر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال ایالات متحد تأثیر متقابل دارند. در واقع دولتهای دیگر باید در

جمع به عنوان نظامی مرکب از دولتهای ملی مد نظر قرار گیرند. با این وجود، در کتابهایی که در ایالات متحد درباره سیاست خارجی این دولت نوشته می‌شود، گرایشهای نظام بین‌المللی بندرت بدرستی مورد توجه واقع می‌شوند. دلایل نویسندگان عموماً حول محور پیچیدگی سیاست خارجی دولت دور می‌زند که ممکن است به چگونگی تأثیر جریان سیاست داخلی بر ماهیت و دامنه سیاست خارجی یا تأکید بیشتر حکومت بر سیاست داخلی در مقایسه با سیاست خارجی ناشی شود. در این مورد چگونگی برخورد دیگر ملتها، که هنجارها و ارزشهای متفاوت با آمریکا دارند، نسبت به مسائلی که ایالات متحد با آنها درگیر است و چگونگی رفتار ملتهای دیگر به عنوان یک نظام نیز از عوامل مؤثر می‌باشند. در نظر گرفتن همه این عوامل در یک کتاب، با حجمی نه‌چندان زیاد، کار مشکلی است. نویسندگان کتاب هیانت جمهوری: سیاست خارجی ایالات متحد مدعی هستند که سعی کرده‌اند از عهده این مهم برآیند.

مطالب کتاب به پنج بخش در بیست و دو فصل تقسیم می‌شود. بخش نخست در پنج فصل با بررسی مبانی فکری و زمینه فرهنگی سیاست خارجی ایالات متحد، مفاهیمی را مشخص می‌کند که آمریکا به کمک آنها اعتبار و سودمندی ایستارهای مربوط به سیاست خارجی خود را ارزیابی می‌کند. این ابزارهای مفهومی در بخشهای دیگر به طور منظم در برخورد ایالات متحد با مشکلات و مسائلی که با آنها مواجه است به کار گرفته می‌شود. این فصلها به بررسی سیاست خارج

مطالعه و مقایسه دیدگاههای مختلف، از جمله دیدگاه پژوهشگران دولت موضوع مطالعه در مورد سیاست خارجی دولتشان و جهانی که سیاست مزبور در آن اجرا می‌شود، به دست آید.

کتابهای زیادی در مورد مبانی و تحولات سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا، در داخل و خارج از این کشور منتشر شده است. از کتابهای نویسندگان آمریکایی تعداد زیادی به جریان تحولات سیاست داخلی توجه دارند. برخی بر پایه این استدلال که تغییرات در دستگاه حکومت سبب می‌شود تفسیر آن از نقش آمریکا در سیاست خارجی تغییر کند، انتقال اداره حکومت از یک رئیس جمهوری به رئیس جمهوری دیگر را بررسی می‌کنند. کتابهای دیگری جریان دیوانسالارانه تصمیم‌گیری‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و یا به این دلیل که گروههای تأثیرگذار سیاست دولت (مثلاً در مورد محدود ساختن ورود اتومبیل‌های ژاپنی یا فولاد از خارج) را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نقش این گروهها را مطالعه می‌کنند. همه این تأکیدها مطلوب‌اند، اما مسئله این است که درجه مطلوبیت آنها چه اندازه است و اگر بر آنها زیاد تأکید شود، ابعاد دیگری از شناخت سیاست خارجی نادیده می‌ماند.

یکی از این ابعاد، توجه به دنیای خارج است. خارج از مرزهای آمریکا حدود یکصد و شصت دولت مستقل وجود دارد که اقدامات آمریکا بر آنها تأثیر می‌گذارد و اکثراً بر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال ایالات متحد تأثیر متقابل دارند. در واقع دولتهای دیگر باید در

و محیط بین‌المللی با تجربه یگانه آمریکا، به‌خاطر آثار موقع جغرافیایی، تجربه تاریخی و محیط داخلی؛ نحوه برخورد این دولت با مسائل؛ اصول اساسی طرح‌ریزی سیاست خارجی؛ و اجرای سیاست اتخاذ شده با توجه به زمینه عملکرد آن می‌پردازند.

بخش دوم از فصل ششم تا دهم را دربر می‌گیرد و چگونگی جریان تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در واشنگتن را بررسی می‌کند، در این فصلها ارزیابی سیاست دیوانسالارانه؛ گروه‌های تأثیرگذار؛ تحلیل از چگونگی تأثیر دستگاه اجرایی و کنگره بر سیاست خارجی؛ و توصیفی از نظام امنیت ملی مورد توجه قراردادند.

بخش سوم شامل فصلهای یازدهم تا پانزدهم، سابقه طرح‌ریزی و اجرای سیاست خارجی در ایالات متحد را مدنظر قرار می‌دهد و باتوجه به ابزارهایی که در بخش اول مشخص شده‌اند، این سابقه ارزیابی می‌شود. در فصلهای مختلف این بخش، گسترش سیاست خارجی؛ دامنه قلمرو امنیتی؛ پی‌گیری یک نقش جهانی؛ مسائل برلن، کوبا و ویتنام؛ تنش‌زدایی و دوران پس از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتها نیز یک بررسی کلی از سه بخش نخست کتاب به عمل می‌آید و نظری به بخش بعدی افکنده می‌شود.

بخش چهارم با عنوان مسائل و معضلات پیش روی آمریکا، فصلهای شانزده تا بیست و یک را شامل می‌شود. در این بخش به‌طور سیستماتیک پدیدهایی مدنظر قرار می‌گیرد که ایالات متحد برای حل مسائل سیاست خارجی خود می‌تواند برگزیند و مزایا

و مضار عمده هر یک از این بدیلها باتوجه به جهانی که مسائل سیاست خارجی در آن به‌وجود می‌آیند و ماهیت نگرش و منافع آمریکا مشخص می‌گردد. این بخش با بررسی روابط ایالات متحد و شوروی آغاز می‌شود؛ آنگاه مسائل مربوط به اروپای تقسیم شده مدنظر قرار می‌گیرد. سپس دورنمای ثبات در آسیا، مسائل استقرار صلح در خاورمیانه، مسائل ایالات متحد با ملتهای درحال رشد آفریقا و آمریکای لاتین مورد توجه واقع می‌شوند. سرانجام مسائل مربوط به تکنولوژی بسرعت رشدیابنده و محیط زیست جهان درحال تغییر، بررسی می‌شوند. در این قسمت، توجه به مسائل مربوط به فضا و دریاها، تروریسم و دسترسی به انرژی و منابع اولیه معطوف است.

بخش پنجم، که تنها یک فصل دارد، مسائل و معضلات، و همچنین توصیه‌ها را خلاصه می‌کند و سیاست آینده را مورد توجه قرار می‌دهد.

در بررسی سیاست خارجی ایالات متحد، طی بخشهای پنجگانه عمداً و به‌طور منظم در پاره‌ای موارد تمرکز و توقف بیشتر صورت می‌گیرد و در برخی موارد مطالعه سرعت می‌یابد و رویدادها بتندی از نظر می‌گذرند. اتخاذ این شیوه همواره بدان‌خاطر است که برای یک نفع بیشتر از یک نفع کمتر صرف‌نظر شود؛ زیرا نزدیک شدن به یک مسئله یا رویداد جزئیات را مشخص می‌سازد، اما دورنما و وضع ظاهری کلی امور و چگونگی توالی مسائل و حوادث را از میان می‌برد. برعکس، در یک دورنمای کلی، جزئیات امور

سیاستها را تغییر ندهد، قرین موفقیت می‌نماید. در نتیجه، قهرمانان امروز، شکست‌خوردگان فردا هستند و برعکس. نویسنده می‌افزاید که حوادثی مانند جنگ ویتنام، بحران نفت و قدرت گرفتن اوپک و رسوایی واترگیت جهان جدیدی را به وجود آورد. جهانی متخاصم که در آن سادگی امور و امنیتی که ظاهراً در سالهای قبل غالب بود، دیگر وجود نداشت.

مطالب کتاب در دو بخش در چهارچوب نه فصل تنظیم شده است. بخش نخست، با عنوان «دشمن فرادی»، که شامل شش فصل است، سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹ را مورد توجه قرار می‌دهد و با تمرکز بر سیاست خارجی آمریکا، حوادثی را در اروپا و آسیا بررسی می‌کند که دوران خطرناک جنگ سرد تا ظهور تشنج‌زدایی را شکل دادند. در این بخش، مسائل اقتصادی و سیاسی در ساختاری کلی ارائه شده‌اند. عنوان فصلهای ششگانه این بخش عبارت است از: ملت و امپراتوری؛ ائتلاف و آزمایش توان عملکرد؛ گسترش و سد نفوذ؛ جنگ محدود و تعهدات گسترش یافته؛ توازن پایدار و اتحاد مشکل؛ و دشمن فرادی. بخش دوم با عنوان «آمریکا در جهانی متخاصم»، در سه فصل، تحول سیاست خارجی ایالات متحد از پایان دوران جنگ سرد به بعد را دربر می‌گیرد. ایده‌ها و موضوعات این بخش به‌طور کم و بیش مفصل در مقالاتی که نویسنده پیشتر منتشر کرده است، پرورش یافته‌اند. در این بخش، نویسنده با تمرکز متعادل توجه بر روابط خصمانه و دوستانه، سیاستهایی را که از

مشخص نیست. از این رو در بخش نخست توجه به ارائه شمایی از دیدگاههای کلی، عوامل مؤثر اصلی، و شرایط کلی که در آن سیاست باید اجرا شود، معطوف است. بخش دوم مشخص کردن جزئیات را مدنظر دارد. در این بخش به راههای ظریفی توجه می‌شود که از طریق آنها دستگاه اجرایی هنگامی که در مورد سیاست خارجی اجماع وجود دارد، یا ندارد، در عمل خود تغییر می‌دهد. در بخش سوم بار دیگر، با بررسی تاریخ سیاست خارجی ایالات متحد از دیدگاه خاص و توجه به مسائل گوناگون با در نظر گرفتن معضلات امنیتی، شمایی کلی از حوادث ارائه می‌شود. توجه بخشهای چهارم و پنجم به مسائل و معضلات مطرح تا حدی جنبه کلی دارد و تا حدی به مشخص ساختن جزئیات معطوف است. به هر حال توجه به جزئیات آن اندازه نیست که دستیابی به مفهومی کلی از مسئله را لطمه بزند.

در کتاب سیاست خارجی آمریکا در یک جهان متخاصم: سالهای پرخطر، یک بررسی تحلیلی در مورد سیاست خارجی آمریکا از پایان جنگ جهانی دوم به بعد صورت می‌گیرد. به گفته نویسنده، این بررسی نه قهرمانی دارد و نه شکست خورده‌ای؛ زیرا موفقیت و شکست در سیاست خارجی مدت زیادی دوام نمی‌آورد. حوادث معمولاً به گونه‌ای نامنتظره رخ می‌دهند. این حوادث بهترین سیاستها را با شکست روبه‌رو می‌سازند یا گاه بدترین سیاستها را، تا زمانی که حوادث و شرایط جدید ارزیابی اولیه نتایج آن

سالهای پایانی دهه ۱۹۶۰ حکومت‌های ایالات متحد در پیش گرفتند، معرفی و تحلیل می‌کند. عناوین سه فصل بخش دوم عبارت است از: نه برتری، نه نظم جهانی؛ نه متحد، نه دشمن؛ نه تشنج‌زدایی و نه سد نفوذ. در این کتاب، در واقع نویسنده قصد

دارد شکست‌های سیاست خارجی ایالات متحد را توجیه کند و آنها را به حوادث نامنتظره و ایستار خصمانه دیگر دولت‌ها نسبت به دولت ایالات متحد نسبت دهد. این مفهوم را عنوان خود کتاب نیز القا می‌کند.

آینده نظام بین‌المللی: ایالات متحد آمریکا و اقتصاد سیاسی جهان

Geiger, Theodore. *The Future of International System: The United States and the World Political Economy*. Boston: Unwin Hyman, 1988.

کتاب آینده نظام بین‌المللی با به‌کارگرفتن رشته‌های مختلف مطالعاتی نمای کلی منحصر به فردی از دگرگونی‌های اقتصادی، سیاسی و روانی-فرهنگی در درون و میان ملت‌ها ارائه می‌دهد؛ دگرگونی‌هایی که تحول نظام بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم را سبب شده‌اند. تئودور گایگر به شیوه‌ای سهل و قابل فهم عموم تحلیل می‌کند که چگونه این تحولات میزان به‌طور غیرمعمول بالای یکپارچگی اقتصادی و هماهنگی سیاسی را که ویژگی نظام بین‌المللی در خلال دوران پس از جنگ بود، بتدریج از میان برده‌است. وی سپس نشان می‌دهد که چگونه تلاش‌های جاری برای متوقف ساختن این جریان‌های ضد یکپارچگی بر تصوّراتی در مورد نظام بین‌المللی استوارند که دیگر مناسب واقعیت‌های کنونی و آینده نیستند.

درباره راه‌های جدید تفکر- و انواع جدید خط‌مشی‌هایی می‌پردازد که اگر ایالات متحد و دیگر ملت‌ها بخواهند به‌طور مؤثر با مسائل و فرصتهایی که پیش روی قرارداد مواجه شوند، لازم خواهند بود.

تئودور گایگر در حال حاضر استاد ممتاز تحقیق در روابط میان جوامع در مدرسه روابط خارجی دانشگاه جرج تاون است. تجارب وی به عنوان کارمند وزارت خارجه و آن وزارتخانه و کمیته‌های کنگره و مدیر پیشین مطالعات بین‌المللی در انجمن برنامه‌ریزی ملی به او در تدوین نکات روشنگر جدید در تحول نظام بین‌المللی و سیاست‌هایی که بر آن تأثیر دارند کمک کرده است.

کتاب حاوی ده فصل با عناوین زیر است:

۱. حفظ یکپارچگی نظام متشکل از دولت‌های ملی؛

سرانجام پروفیسور گایگر به کاوش

۲. نظام بین‌المللی دوران پس از جنگ؛
۳. نظام بین‌المللی در حال دگرگونی؛ تغییرات در ساختار اقتصادی و سیاسی آن؛
۴. تغییرات در ملت‌های عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی؛
۵. تغییرات در ملت‌های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین؛
۶. تغییرات در ملت‌های کمونیست؛
۷. جریان‌هایی که آینده نظام بین‌المللی را شکل می‌دهند؛
۸. خط‌مشی‌های قابل انتخاب و تحولات آتی نظام بین‌المللی؛
۹. آینده احتمالی نظام بین‌المللی؛
۱۰. غلبه بر سردرگمی‌های بین‌المللی ایالات متحد آمریکا.

وضعیت مهاجرین مسلمان در اسپانیا

Situación en España de los inmigrantes Procedentes de Paises de Mayoría Islámica. Madrid: Cáritas Española, 1988. 88p.

اشاره: کتاب وضعیت مهاجرین مسلمان در اسپانیا را که مؤسسه کاریتاس تحت شماره ۵ از مجموعه انتشارات مربوط به فعالیتهای اجتماعی این سازمان (که مؤسسه خیریه وابسته به کلیسای اسپانیاست) منتشر گردیده است، با توجه به مواضع کلیسای کاتولیک این کشور خصوصاً تضاد تاریخی آن با اسلام در قرون گذشته می‌تواند به درک نحوه برداشتها و برخوردهای این کلیسا با مسلمانان مقیم اسپانیا کمک نماید.

اگرچه اطلاعات مندرج در این کتاب و خصوصاً تحلیلهای ارائه شده الزاماً صحیح نبوده و در پاره‌ای از موارد مغایر با واقعیت است، اما از آنجا که این امر از ارزش اطلاع از دیدگاههای کلیسای اسپانیا نسبت به موضوع اخیرالذکر نمی‌کاهد، لذا ملخص کتاب در اینجا درج می‌گردد.*

اهداف	ناآگاهی‌ها؛
توصیف نسبتاً مفصل شرایط زندگی و کاری مسلمانان در اسپانیا؛	یافتن راه‌حلهای عادلانه و پایدار؛
شناخت واقعیات اجتماعی؛	ایجاد تماس میان کسانی که از دیدگاههای مختلف با مسئله برخورد می‌کنند؛
ایجاد نزدیکی میان مهاجرین و اسپانیولی‌ها؛	بررسی مشکلات مهاجرین و آثار ناشی از آن.
برطرف کردن داوری‌های نادرست و	

* این کتاب را سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید خلاصه کرده است.

منابع

۱. گزارشی که مؤسسه کاریتاس در سال ۱۹۸۶ در باره مهاجرین به اسپانیا تدوین کرده بود. از این گزارش به عنوان چارچوب اصلی و کلی استفاده شده و اطلاعات مربوط به مسلمانان را از آن استخراج کرده اند.

۲. پرسشنامه هایی که متخصصین امور مسلمانها تهیه شده بود و شامل موارد زیر بود:

اطلاعات کلی؛

وضعیت کاری؛

شرایط زندگی؛

وضعیت فرهنگی - مذهبی؛

روابط اجتماعی؛

پیشنهادها و راهنمایی ها.

این پرسشنامه ها در اختیار ۶۰ نفر قرار

گرفت. از این عده ۳۰ نفر اسپانیولی و ۳۰ نفر دیگر مسلمان بودند.

آمار مربوط به مهاجرین مسلمان

مقدمتاً یادآوری شده است که ارائه آمار دقیق از تعداد کل مهاجرین و همچنین مهاجرین مسلمان غیرممکن است، زیرا عده ای زیادی از این افراد به صورت غیرقانونی وارد کشور شده اند و یا اقامت آنان غیرقانونی است. از سوی دیگر عده ای از این افراد اتباع کشورهای اند که علاوه بر اسلام، ادیان دیگر نیز در آن کشورها رایج است (سنگال، لبنان و فیلیپین). با این حال برآورد می شود که تعداد کل مهاجرین رقمی معادل ۷۲۰ هزار نفر باشد که حدود ۲۴/۳ درصد آنان را مسلمانان تشکیل می دهند. بنابراین تعداد مسلمانان در اسپانیا بالغ بر ۱۷۵ هزار نفر است که به منزله

۴۰ درصد مهاجرین کشورهای جهان سوم به اسپانیا است. در مورد کشورهای که دارای چند مذهب اند، نسبت مسلمانان به کل جمعیت برای محاسبه مهاجرین این کشورها در نظر گرفته شده است.

از ۱۷۵ هزار مسلمانی که اسپانیا را برای زندگی انتخاب کرده اند، ۱۱۰ هزار نفر از کشورهای، شمال آفریقا هستند که البته در میان این عده، اکثریت با مراکشی هاست. عده مهاجرین آفریقای مرکزی در حدود ۲۰ هزار نفر است. ۳۰ هزار نفر از مهاجرین مسلمان از کشورهای منطقه خاورمیانه به اسپانیا وارد شده اند و بالاخره ۱۵ هزار نفر از آنان را اتباع کشورهای جنوب شرقی آسیا تشکیل می دهند. بزرگترین اجتماعات مسلمانان در اسپانیا در مناطق سئوتاوملیا (واقع در شمال آفریقا و جنوب تنگه جبل الطارق) سکنی دارند و رقم آنان به بیش از ۵۰ هزار نفر می رسد. این افراد مراکشی تبار هستند. علاوه بر این گروه، عده ای از اتباع مراکش روزها از مرز گذشته و برای کار به این مناطق اسپانیا وارد می شوند و شب هنگام به موطن خود باز می گردند. در استانهای کاتولونیا و مادرید ۷۰ هزار مسلمان اقامت دارند که در شهرهای مختلف این دو استان پراکنده اند. در جزایر قناری حدود ۱۰ هزار مسلمان اقامت دارند که اکثراً از کشورهای مراکش، هندوستان و آفریقای مرکزی به این مجمع الجزایر وارد شده اند.

بقیه مسلمانان در دیگر نقاط اسپانیا پراکنده اند.

می‌شود. این قانون صریحاً میان افرادی که اجازه اقامت قانونی دارند و آنهایی که فاقد آن می‌باشند، فرق می‌گذارد و در این مورد هماهنگ با قوانین و مقررات بین‌المللی است که اسپانیا آنها را پذیرفته است. قانون مذکور با دادن اجازه کار و اقامت به افرادی که به‌طور قانونی در خاک اسپانیا به‌سر می‌برند حقوق آنها را تقویت می‌کند، لیکن همزمان با آن باعث گردیده است که مهاجرین غیرقانونی احساس ناامنی کرده و گوشه‌گیری اختیار نمایند. این برخورد باعث شده است که بسیاری از مهاجرین مسلمان حاشیه‌نشینی را انتخاب کنند. فرق میان مهاجر قانونی و غیرقانونی بستگی به دارا بودن یا فقدان شرایطی دارد که دولت آنها را تعیین کرده است.

مهاجرین غیرقانونی به دو دلیل نمی‌توانند شرایط درخواستی قانون را فراهم سازند؛ از یک سو از آنها خواسته می‌شود که دارای کار یا حرفه‌ای قانونی باشند و یا به اندازه کافی سرمایه در اختیار داشته باشند که هزینه زندگی آنان را تأمین کند، و این در صورتی است که اکثر این افراد فاقد تخصص حرفه‌ای بوده و اصولاً چنین شرایطی از دسترس آنان خارج است، و از سوی دیگر روابط این افراد با نمایندگی‌های سیاسی (کنسولگری) کشورهای متبوعشان به گونه‌ای است که تهیه اسناد و مدارک لازم به تأخیر و تعویق می‌افتد. اجرای قانون خارجی، که اساساً به واقعیات مهاجرین پشت کرده است، مشکلات ویژه‌ای در مناطق سئوتاوملیا به وجود آورده است. علت اصلی این مشکلات حضور

سابقه تاریخی مهاجرت مسلمانان به اسپانیا سئوتاوملیا اولین منطقه‌ای بود که مسلمانان آن را برای اقامت انتخاب کردند؛ به طوری که طبق آمار منتشر شده از سوی مؤسسه ملی آمار در سال ۱۹۸۶ بالغ بر ۷۵/۳ درصد مسلمانان مقیم سئوتاوملیا در منطقه متولد شده‌اند؛ هرچند که این افراد تاکنون از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. سابقه مهاجرت مسلمانان به استانهای کاتلونیا و مادرید نیز طولانی بوده و به دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد: هرچند که مسلمانان منطقه آفریقای مرکزی و خاورمیانه در سالهای اخیر به سوی این دو استان سرازیر شده‌اند.

علل مهاجرت و وضعیت قانونی مهاجرین

مسلمانانی که اسپانیا را برای اقامت انتخاب کرده‌اند به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف) عده‌ای که برای بهبود وضع اقتصادی خود وطن مادری را ترک کرده و بیشتر شامل اهالی آفریقا، بویژه مراکش و آفریقای مرکزی، می‌شود.

ب) گروهی که به خاطر مسائل سیاسی و اعتقادی از کشور خود خارج گردیده‌اند و هم‌اکنون در اسپانیا به‌سر می‌برند. این گروه را بیشتر ایرانی‌ها، عراقی‌ها و فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند.

از نظر شرایط اقامت، هرچند که قانون حقوق و آزادی‌های خارجی‌ان (مصوب ژوئیه ۱۹۸۵) فرقی میان خارجی‌ان مقیم در اسپانیا قائل نیست، لیکن در عمل و به هنگام اجرای قانون به مهاجرین مسلمان تبعیض

با توجه به اینکه والدین این نوجوانان حتی خواندن و نوشتن زبان مادری خود را نیز نمی‌دانند، این عده تدریجاً با زبان و فرهنگ مادری بیگانه شده، اسامی خود را عوض می‌کنند و حاضر نیستند حتی با والدین خود به زبان مادری تکلم کنند.

متأسفانه نمایندگی‌های سیاسی کشور متبوع این افراد نیز آنها را فراموش کرده‌اند و عدم توجه سازمانهای اسپانیولی به آنان باعث شده که نوعی نفرت از خارجیان و آثاری از نژادپرستی در میان مردم اسپانیا مشاهده گردد.

مطالعه جامعه‌شناختی بعضی از گروههای مسلمان

۱. مراکشی‌ها: بیشترین تعداد این گروه در منطقه کاتولونیا به سر می‌برند (طبیعتاً در این بررسی منظور شبه‌جزیره ایبریاست، وگرنه همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سوتوآملیا بیشترین تعداد مراکشی‌ها را در خود جای داده‌است). از حدود بیست سال پیش، اجتماعی از مسلمانان در بارسلون مقیم شده و تعداد آنان تا بحران اقتصادی سال ۱۹۷۳ (افزایش قیمت نفت و شیوع بیکاری در کشورهای اروپایی) روبه‌افزایش بود. پس از سال ۱۹۷۳ و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ تعداد مسلمانان مقیم بارسلون روبه‌گاهش گذاشته و در دهه جاری ثابت ماند. بخشی از این عده در منطقه کاتولونیا به‌طور دائم مستقر شده و گروه دیگری از آنان را افراد مجرد یا آنهایی که زن و فرزند خود را در مراکش گذاشته‌اند تشکیل می‌دهند. این افراد به‌طور کلی در مناطق

گسترده مراکشی‌ها در این دو منطقه و مسائل سیاسی ناشی از آن است.

شرایط وخیم کاری و آثار آن

اکثر مهاجرین مسلمان در کارهای غیرتولیدی فعالیت دارند و یا به‌طور قاچاق کار می‌کنند. جدول زیر گویای وضعیت اشتغالی مهاجران مسلمان در اسپانیاست:

کارگران غیرمتخصص	۱۸/۵ درصد
تجار و کسبه	۱۵/۶ درصد
خدمتکار منازل	۱۰/۵ درصد
کارگر ماهر (متخصص)	۶/۳ درصد
کارگر روزمزد بخش کشاورزی	۵ درصد
تکنیسین ارشد	۳/۲ درصد
مشاغل دیگر	۷/۴ درصد
بیکار	۲۲/۹ درصد
دانشجو	۶/۳ درصد

بازار کار در بیست سال اخیر رکود داشته و این امر باعث گردیده‌است که فرزندان مهاجرین مراکشی که در اسپانیا متولد شده‌اند و اصطلاحاً به آنها «مهاجرین نسل دوم» گفته می‌شود با مشکلات بیشتری برای یافتن کار روبه‌رو شوند. این وضع موجب شده‌است که این عده بدترین شرایط را بپذیرند و حتی به تبه‌کاری، قاچاق مواد مخدر، فحشا و فعالیت‌های مشابه روی آورند. مشکلات ناشی از شرایط بد اقتصادی از سوی دیگر باعث پیش آمدن مشکلات فراوانی برای نوجوانان مراکشی در دوران تحصیل شده‌است.

می‌گردد، زیرا در منطقه کاتولونیا زبانهای اسپانیولی و کاتالان رایج است و این کودکان علاوه بر این دو زبان، در محیط خانوادگی به زبان مادری خود نیز تکلم می‌کنند. علاوه بر مسائل فوق، کودک در دبستان با مشکل دیگری روبه‌روست و آن مسخره شدن به خاطر عادات و رسومش است.

روابط این گروه با شهروندان اسپانیولی نسبتاً عادی است، هر چند که مسئله بیکاری رایج در کشور باعث شده است که در بعضی مواقع نوعی نژادپرستی نسبت به این افراد اعمال گردد؛ زیرا کارگر بیکار اسپانیولی خود را برای اشتغال ذیحق تر می‌داند.

از نظر معاشرت، این گروه بیشتر با هموطنان و خویشاوندان خود مراوده دارند و معمولاً در خانه‌های خود گردهم می‌آیند. مراجعه آنان به مساجد یا بعضی انجمنها کمتر است، زیرا اعتقاد دارند که بیشترین این مراکز از سوی رژیم مراکش تغذیه می‌شوند و نقش نگرهبانی و تفتیش عقاید را دارند. یکی از این مراکز به نام آمیکال را دولت مراکش تأسیس کرده است.

فقدان کار باعث شده است که نسل دوم مهاجرین مراکشی با مشکلات بیشتری روبه‌رو شده و تبهکاری در میان آنان رایج گردد. در زندان بارسلون حدود ۶۰ جوان مراکشی زندانی‌اند و به نظر نمی‌آید که کسی یا سازمانی کاری برای آنها انجام دهد.

افراد گروه مراکشی در لحظات گرفتاری بیشتر به دوستان و هموطنان خود متوسل می‌شوند و تنها در صورت ضرورت به سازمانهای اسپانیولی مراجعه می‌کنند.

فقیرنشین شهر اقامت داشته و در موارد بسیاری حداقل شرایط زندگی را در دسترس ندارند. مسکن این افراد معمولاً فاقد شرایط بهداشتی بوده، نور آن کم و شدیداً مرطوب است. اجاره این نوع مساکن ۱۰ الی ۱۵ هزار پزتا در ماه است و در بسیاری موارد ۸ نفر در یک اتاق زندگی می‌کنند. فرزندان اکثراً در اتاق والدین خود و با آنها به سر می‌برند و یک پرده، دستشویی را از آشپزخانه جدا می‌کند. این چنین شرایطی باعث گردیده است که عده‌ای از کودکان به بیماری تنگی نفس مبتلا شوند. علاوه بر مسکن نامناسب، بیشتر این خانواده‌ها فاقد اسباب منزل بوده و یا آن را از خیابانها جمع کرده‌اند. عده‌ای از جوانان مجرد نیز در مسافرخانه‌ها و پانسیونهای ارزان قیمت اقامت می‌کنند.

از نظر خدمات بهداشتی، عده قلیلی از این گروه دفترچه بیمه اجتماعی در اختیار دارند و عده‌ای نیز در مواقع لزوم به سازمانهای خیریه مراجعه می‌کنند. گروهی از این افراد نزد پزشکان هموطن خود می‌روند و عده‌ای نیز اصلاً به خدمات پزشکی دسترسی ندارند.

فرزندان این گروه معمولاً به مدرسه می‌روند و درصد غیبت از تحصیل کم است و بیشتر در میان خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که تعداد زیادی فرزند دارند و فرزندان بزرگتر مسئول نگهداری از برادران و خواهران کوچکتر خود هستند. درصد شکست تحصیلی در میان این کودکان بالا بوده و نسبت آن در میان کودکانی که اولین سالهای مدرسه را در کشور خود گذرانده‌اند بالاتر است. در بعضی موارد مشکل سه زبانی نیز به مشکلات دیگر اضافه

مراکشی‌هایی که در مادرید و دیگر نقاط اسپانیا به سر می‌برند نیز وضعیت مشابهی با دیگر هموطنان خود در کاتالونیا دارند. در مادرید نیز این افراد محلات کارگرنشین و ارزان شهر را برای زندگی انتخاب می‌کنند و شرایط زندگی آنان فرق زیادی با دیگر اعضای این گروه ندارد.

در میان این گروه از مهاجرین، بیشتر مردان نان‌آور خانواده‌اند و بندرت زنان در خارج از خانه اشتغال دارند. هرگاه که به خاطر بیکاری مرد، همسر او مجبور به کار می‌گردد (بیشتر خدمتکاری) درگیری‌های درون خانواده افزایش می‌یابد، زیرا زن بتدریج با حق و حقوق زنان اسپانیولی آشنا می‌شود و جامعه پدرسالاری را زیر سؤال می‌برد. این وضعیت در بسیاری موارد باعث از هم پاشیده شدن کانون خانوادگی می‌گردد. در بطن خانواده همچنین درگیری میان پدر و فرزندان نیز وجود دارد. جوانان بتدریج جذب فرهنگ غربی که ممنوعیت‌های کمتر دارد شده و زمانی که مستقلاً قادر به تأمین هزینه زندگی خود می‌شوند، این درگیری شدت می‌یابد. در بسیاری موارد جوانان سعی به تقلید از همسنان اسپانیولی خود می‌کنند و در نتیجه جهت تأمین مخارج مجبور به دست زدن به اعمالی می‌گردند که خلاف قانون است. این اقدامات باعث می‌گردد که در میان جامعه اسپانیولی سوء شهرت پیدا کرده و با مشکلات بیشتری برای الحاق به جامعه روبه‌رو شوند. گروه مهاجران مراکشی بتدریج از اعتقادات مذهبی خود نیز فاصله می‌گیرند. هر چند که به طور انفرادی مراسم دینی خود را اجرا می‌نمایند،

حضور آنان در مراسم دینی گروهی از قبیل نماز جماعت، نماز جمعه و... هر روز کمتر می‌شود. در بسیاری از موارد فاصله و بُعد مکانی مانع از آن می‌شود که این گروهها بتوانند به طور مرتب در مساجد و مراکز اسلامی حاضر شوند. علاوه بر آن بسیاری از این افراد عقیده دارند که مساجد و مراکز سیاسی شده‌اند. خوراک آنها را کشورهای عربستان، کویت و مراکش تأمین می‌نمایند. در ایام ماه مبارک رمضان، همچنان که روزهای ماه می‌گذرد، از تعداد روزه‌داران کاسته می‌شود. مقصر اصلی این وضعیت کارهای دشواری است که به عهده این افراد گذاشته می‌شود و رژیم نادرست غذایی که با آن روبه‌رو هستند. اجبار بر پس انداز مانع از آن می‌گردد که این افراد بتوانند تغذیه مناسبی داشته باشند. روزه‌خواری در ماه رمضان در میان جوانان بیشتر به چشم می‌خورد. در ایام اعیاد مذهبی، بخصوص عید قربان، می‌کوشند گردهم آمده و مشترکاً حیوانی خریده و قربانی نمایند، لیکن بارها همسایگان اسپانیولی آنها از این عمل به سازمان حمایت از حیوانات شکایت کرده‌اند. ۲. مهاجرین صحرا: در ماه نوامبر

۱۹۷۵، با امضای قرارداد سه‌جانبه میان اسپانیا، مراکش و موریتانی در مادرید، اداره صحرا به مراکش و موریتانی واگذار شد و پولیساریو که از ۲۰ مه ۱۹۷۳ مبارزه علیه اسپانیا را آغاز کرده بود، مراکش و موریتانی را هدف حملات خود قرارداد.

به دنبال امضای قرارداد مذکور که به «قرارداد مادرید» مشهور است، دولت اسپانیا اعلام کرد که کلیه اهالی صحرا که قبل از سال ۱۹۷۶

شش ماهه برای تجدید گذرنامه آنها، خانواده‌هایشان را احضار کرده و در مورد فرزند آنها که در خارج به سر می‌برد و فعالیتهای او تفتیش می‌کند.

۳. مهاجرین کشورهای آفریقای

مرکزی: مهاجرین آفریقای بیشتر در ایالت کاتلونیا و بخصوص منطقه Maresme به سر برده و به کارهای موسمی کشاورزی، از قبیل جمع‌آوری محصول و میوه، می‌پردازند. حضور این گروه در اسپانیا جدیدتر بوده و اکثر قریب به اتفاق آنان را جوانان مجرد تشکیل می‌دهند. نقطه ورود آنها به خاک اسپانیا بندر بارسلون است. وضعیت اقامت غیرقانونی و احتیاج شدید مالی آنها باعث می‌گردد که در بسیاری موارد صاحبکاران آنها را استثمار کنند. اعضای این گروه کمتر به اعمال خلاف قانون و تبهکاری دست زده و نسبت به مراکشی‌ها از اعتماد بیشتری برخوردارند. بیشتر درآمد خود را صرف پوشاک و وضع ظاهری خود کرده و مبلغ کمتری خرج تغذیه خود می‌کنند. برای استفاده از خدمات پزشکی بیشتر به مؤسسات خیریه مراجعه می‌کنند و روابط آنها بیشتر میان گروهی است. معمولاً برای برگزاری اعیاد و مراسم مذهبی اجتماع می‌کنند، هر چند که در اجرای مراسم مذهبی کمتر مقیدند. فعالیتهای فرهنگی آنها شامل تشکیل گروههای تئاتر است و در زمینه ورزشی یک تیم فوتبال به نام «Africa Start» به وجود آورده‌اند. زمانی که فصل جمع‌آوری محصول به پایان می‌رسد به دستفروشی و عرضه کالاهای بومی خود می‌پردازند. معمولاً هرچند وقت یک بار به کشور خود سفر

متولد شده و کارت شناسایی اسپانیولی در اختیار داشته‌باشند (کارت شناسایی که برای اهالی صحرا صادر می‌شد با کارتهای مرسوم در اسپانیا فرق داشت) تا یک سال پس از تاریخ عقد قرارداد (یعنی تا نوامبر ۱۹۷۶) مهلت خواهند داشت تا از اسپانیا یا مراکش تقاضای کسب تابعیت کنند. در لحظه اعلام این تصمیم، دولت وقت اسپانیا دقیقاً می‌دانست که اهالی تحت سلطه مراکش قادر به ترک سرزمینهای خود نیستند تا تقاضای تابعیتشان را تسلیم کنند. در مورد آنها هم که در آن زمان در خاک اسپانیا به سر می‌بردند آنقدر مشکل تراشی شد که عملاً تنها ۶۳ نفر در فاصله سالهای ۱۹۷۶ الی ۱۹۸۳ توانستند تابعیت اسپانیا را اخذ کنند.

مشکلات اداری که در سالهای اخیر

برای ساکنان صحرا، که تقاضای اقامت قانونی در اسپانیا داشته‌اند، مطرح کرده‌اند، باعث گردیده که عده زیادی از هدف خود صرف نظر کرده و به صحرا مراجعت کنند. از سوی دیگر، جریان عزیمت مردم صحرا به سوی اسپانیا تقریباً متوقف شده و این وضع به‌طور ویژه‌ای در میان زنان مشاهده می‌شود. اکثر اهالی صحرا که در اسپانیا به سر می‌برند دانشجوی هستند و برای یافتن کار همه درها به‌روی آنها بسته شده‌است. این گروه نیز در مواقع گرفتاری به یکدیگر کمک کرده و بنسدرت به سفارتهای کشورهای عربی مسلمان مراجعه می‌کنند و آنهایی که گذرنامه مراکشی در دست دارند، تنها برای انجام امور کنسولی با سفارت مراکش تماس می‌گیرند و اظهار می‌دارند که دولت مراکش علاوه بر تأخیر

شیخ نشینهای خلیج فارس، مراجعت می کردند؛ لیکن این کشورها در سالهای اخیر متخصصین غربی را، هرچند که مهارت کمتری داشته باشند، ترجیح می دهند و در نتیجه فلسطینی ها به بازار کار اروپا و آمریکا مراجعه می کنند.

سطح زندگی این گروه بسیار متفاوت است. عده ای از آنان که موفق به سرمایه گذاری شده اند، سطح زندگی خوبی دارند، در حالی که بعضی از دانشجویان با حداقل امکانات زندگی خود را می گذرانند.

فلسطینی هایی که فرزند دبستانی دارند، از اینسکه در مدارس هیچ اشاره ای به تاریخ سرزمین فلسطین نمی شود و تنها از تاریخ اسرائیل یاد می گردد شکایت دارند و اظهار می کنند که پدر خانواده معمولاً بایستی وظیفه تدریس فرزندش را در این زمینه به عهده گیرد. علاوه برآن، مواد درسی مربوط به اسلام نیز در مدارس ناقص یا جعلی بوده و پدر در این زمینه نیز مجبور است با پشتکار تبلیغیات سوء بیرون از کانون خانوادگی را خنثی کند. در مورد تاریخ فلسطین، دفتر ساف در مادرید روزهای شنبه کلاسی برای کودکان تشکیل داده است.

فلسطینی ها همچنین از اینکه سفارتهای کشورهای عربی هر بار کمتر به آنها کمک می کنند شاکی بوده و مسئولین دفتر اظهار کردند که با مقامات اسپانیولی در تماس اند تا نسبت به دادن بورس تحصیلی به دانشجویان اقدام کنند.

دانشجوی فلسطینی زمانی که با مشکلات شدید اقتصادی روبه رو می شود به

می کنند و آرزوی آنها پس انداز مبلغی پول و مراجعت به کشورهائیشان است. عده بسیار کمی از آنها پناهنده سیاسی اند که اسپانیا را به عنوان پل به سوی فرانسه یا انگلستان انتخاب کرده اند، هرچند که پس از تماس با هم طایفه های خود خیلی از آنها در اسپانیا می مانند. کلیسا کمک قابل توجهی به آنها می کند و در ایام ماه مبارک رمضان محلی را برای اجرای مراسم مذهبی در اختیارشان می گذارد. آنها انجمنهایی تشکیل داده اند که نسبت به امور مختلف آنها یاریشان می دهد.

۴. فلسطینی ها: مهاجرت فلسطینی ها به اسپانیا از زمان تأسیس دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در مادرید (سال ۱۹۷۷) آغاز شد و طبق آمار فلسطینی، در حال حاضر حدود ۸ هزار فلسطینی در اسپانیا اقامت دارند. رابطه آنان با سفارتهای کشورهای عربی تنها در حد انجام امور کنسولی آنهاست و بیشتر با یکدیگر تماس دارند، هرچند که عده ای از فلسطینی های پیرو مذهب شیعه با گروههای بنیادگرا در تماس هستند و علت این مسئله نیز مخالفت بنیادگرایان با اسرائیل است. از سال ۱۹۸۲ به بعد، خیلی از خانواده های فلسطینی اسپانیا را برای اقامت انتخاب کرده اند و علت آن، فرار از محیطهای متشنج کشورهای عربی محل اقامت آنهاست (کویت، لبنان، اردن و...). این خانواده ها گاهی اوقات پس اندازهای خود را در اسپانیا به جریان انداخته و به تجارت می پردازند.

دانشجویان فلسطینی بسیار متحرک بوده و تا چندی پیش پس از پایان تحصیلات به کشورهای عربی، بخصوص عربستان و

سیگار فروشی، عرضه کارهای دستی، پیشخدمتی رستوران و یا راهنمای توریستی متوسل می‌شود. دانشجویانی که پس از خاتمه تحصیلات خود اسپانیا را برای اقامت و کار انتخاب می‌کنند، بیشتر کار آزاد را ترجیح داده و با گشودن دفاتر صادرات و واردات، رستوران، دارالترجمه و... امرار معاش می‌نمایند و عده‌ای نیز جذب شرکتهای چندملیتی یا سفارتهای کشورهای عربی مقیم مادرید می‌شوند. معمولاً در همه سفارتهای عربی یک فلسطینی به‌طور غیررسمی پست حساسی در اختیار دارد.

۵. پناهندگان سیاسی: طبق آمار

منتشره ازسوی کاریتاس در سال ۱۹۸۶، ۱۵ درصد مهاجرین مسلمان مقیم اسپانیا این کشور را به‌خاطر اینکه از نظر سیاسی یا اعتقادی تحت تعقیب بوده‌اند، برای اقامت برگزیده‌اند. بنابراین، حدود ۲۵ هزار مسلمان را می‌توان پناهنده سیاسی قلمداد کرد. بیشتر این افراد را اهالی خاورمیانه (ایران، عراق، سوریه، لبنان و...) تشکیل می‌دهند، هرچند که اتباع کشورهای غنا، آنگولا، زئیر، نیجریه، سیرالئون، گینه و... به تعداد کمتری در میان آنها دیده می‌شوند. در میان مراکشی‌ها تنها عده بسیار کمی خود را پناهنده سیاسی می‌دانند.

در مورد قوانین و مقررات اسپانیا درباره پناهندگان سیاسی باید گفت که پس از اینکه اسپانیا در سال ۱۹۷۸ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان را امضا کرد، وزارت کشور مقررات موقتی را در تاریخ ۱۶/۵/۷۹ اعلام داشته و این مقررات تا زمانی که قانون

مربوط به پناهندگان در سال ۱۹۸۴ تدوین و تصویب شد، اجرا می‌گردید. از سال ۱۹۷۹ تا پایان ۱۹۸۳، جمعاً ۵۳۵۲ تقاضای پناهندگی به وزارت کشور تقدیم شد که تنها به ۶۳۹ تقاضا پاسخ مثبت داده شد. ۳۲۲ نفر از این عده ایرانی، و ۲۸۱ نفر از اتباع کشورهای آفریقای مرکزی بودند. در سال ۱۹۸۵ تعداد پناهندگان رسمی مسلمان ۳۳۰۰ نفر بود و طبق اطلاعات موجود، هر سال حدود هزار تقاضای پناهندگی از جانب مسلمانان ارائه می‌گردد. تقاضای این افراد پس از تشکیل پرونده مسیر درازی طی می‌کند و نهایتاً در شورایی که از سوی چند وزارتخانه تشکیل می‌گردد، بررسی و پذیرفته یا رد می‌شود. حداقل دوسوم از این تقاضاها رد می‌شود و این مسئله باعث گردیده است که بسیاری از داوطلبین از طرح تقاضای خود صرف نظر کنند.

اکثر پناهندگان مادرید و بارسلون را برای اقامت انتخاب می‌کنند. پناهندگان به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست آنهایی که میانسال بوده و معمولاً با خانواده خود به اسپانیا می‌رسند و به‌خاطر شرایط سنتی مشکلات بیشتری برای تطبیق خود با جامعه اسپانیولی دارند و دیگر پناهندگانی که جوان‌اند و اکثریت آنان را مردان تشکیل می‌دهند. تقریباً تنها گروه زنان جوان پناهنده را ایرانیان تشکیل می‌دهند. جوانان مشکل کمتری برای تطبیق خود با جامعه اسپانیولی دارند و معمولاً عده‌ای از آنها با شهروندان اسپانیولی ازدواج و از مراجعت به وطن خود صرف نظر می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد که ایرانیان بیشترین

۱۵ میلیون پرتاست) را همراه می‌آوردند و البته عده‌ای موفق به خارج کردن سرمایه‌هایشان نمی‌شوند. گروه پناهندگان خاورمیانه معمولاً در کشور خود سطح زندگی خوبی داشته‌اند و تغییر آن به سطح پایین‌تری در اسپانیا باعث می‌گردد که از نظر روحی صدمه ببینند. این وضعیت در مورد پناهندگان آفریقایی کاملاً متفاوت است. روابط میان گروهی پناهندگان آفریقایی خوب است، در حالی که در میان پناهندگان ایرانی نوعی بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر وجود دارد.

صرف نظر از گروه ایرانیان که ماهیت کاملاً متفاوتی دارد، گروه‌های دیگر مورد بحث، معمولاً از محیط روستایی و قبیله‌ای کوچ کرده‌اند و در چنین محیط‌هایی معمولاً بی‌فرهنگی و فقر حکمفرماست. زن در این محیط‌ها تحت شرایط پدرسالاری ابدی بوده و هیچ قانون قضایی و اجتماعی از او دفاع نمی‌کند. این چنین زنی به لطف شوهر خود زندگی می‌کند و علاوه بر شوهر، مادر و خواهر او نیز به زن امرونی می‌کنند. نقش او انتقال سنتها به فرزندان است و در مورد اولاد اناث وظیفه دارد که آنها را برای زندگی مشابه وضع خودش آماده کند. چنین زنانی تنها زمانی بعضی اختیارات را کسب می‌کنند که دارای نوه شوند. این وضعیت زندگی زن مهاجر است و در نتیجه زمانی که در اسپانیا مستقر می‌گردد و کم‌وبیش با همجنسان اروپایی خود و حقوق آنها آشنا می‌گردد یا وحشت‌زده شده، گوشه‌نشین می‌گردد و حتی خرید نان را به عهده شوهر خود می‌گذارد، یا اینکه تصمیم به یادگیری حرفه‌ای جدید (مثلاً خیاطی)

تعداد پناهندگان مسلمان را در مادرید و بارسلون تشکیل می‌دهند. ورود این گروه به اسپانیا از اواخر دهه ۷۰ آغاز شد و ابتدا سلطنت‌طلبان و پس از آنها مسلمانان چپ‌گرا (مجاهدین) و کمونیستها به سوی اسپانیا سرازیر شدند. البته هم در میان ایرانی‌ها و هم در میان عراقی‌ها عده‌ای از جوانان وجود دارند که از جنگ گریخته‌اند و نمی‌خواهند در آن شرکت کنند. خیلی از ایرانی‌ها با این هدف اسپانیا را انتخاب کردند که از این کشور به سوی آمریکا یا انگلستان بروند، لیکن عده‌ای از آنان پس از آشنایی با هموطنان خود در اسپانیا، در این کشور مانده و عده‌ای نیز موفق به ادامه سفر به سوی آمریکا شده‌اند.

پناهندگان مناطق آفریقایی مرکزی نیز بیشتر در بارسلون و مادرید به سر می‌برند، هرچند که عده‌ای از آنان نیز Maresme را برای زندگی برگزیده‌اند. در کنار گروه‌های فوق، عده کمی پناهنده مصری، موریتانیایی، سوریبایی، پاکستانی، افغانی و... دیده می‌شوند.

مقایسه وضعیت پناهندگان آفریقایی و خاورمیانه وضع زندگی پناهندگان ایرانی و عراقی از پناهندگان آفریقایی بهتر است. سطح معلومات گروه اول نسبت به گروه دوم بالاتر است و عده زیادی از آنان تحصیلات دانشگاهی دارند. آفریقایی‌ها معمولاً با یک دست لباس به اسپانیا وارد می‌شوند و در بسیاری موارد لباس را نیز عاریه گرفته‌اند، در حالی که پناهندگان خاورمیانه معمولاً پس‌اندازهای خود (که گاهی اوقات بالغ بر

بخش آخر کتاب شامل پیشنهادهایی است که می‌تواند به بهتر شدن وضع مهاجرین کمک کند. از جمله این پیشنهادها، ارائه تصویر مثبت‌تری از اسلام در مدارس و رسانه‌های جمعی است. همچنین به مشکلات قضایی زناشویی مسلمانان و غیرمسلمانها اشاره شده است و نظر چند استاد حقوق درج گردیده است.

سرانجام، در آخر کتاب توضیحاتی درباره اسلام درج شده است که شامل معنی لغوی «اسلام» و «مسلمان» و توضیحاتی دربارۀ حضرت محمد (ص)، قرآن، سنت، شعب اسلامی، ارکان اسلام، شریعت، جهاد (صغری و کبری) و نهضت‌های معاصر اسلامی است. همچنین توضیحاتی دربارۀ عید فطر، عید قربان و مولود [ولادت حضرت رسول اکرم (ص)] درج گردیده است.

می‌گیرد و با این خطر روبه‌رو می‌شود که شوهرش این کار را ممنوع کند. این چنین شرایطی در میان مهاجرینی که سطح فرهنگی بالاتری دارند، ملحوظ نیست و زن و مرد با یکدیگر در تأمین مایحتاج زندگی همکاری می‌کنند.

مهاجرین مسلمان، اکثراً سنی مذهب اند. گروه شیعیان را بیشتر ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند. با سنی‌ها تماس زیادی ندارند و علت آن بیشتر به خاطر اختلافات اخلاقی و فرهنگی است تا مذهبی. مسئله عدم تماس، باعث گردیده که حضور آنها در مراکز اسلامی نیز کمتر به چشم بخورد و جنگ ایران و عراق باعث تشدید جدایی شیعیان و سنی‌ها شده است. هرچند که جنگ به نوبه خود باعث گردیده است که تماس گروه‌های بنیادگرای شیعه و سنی افزایش یابد.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

« کتا پناه »
بها فرهنگي باقر العلوم (ع)

دفتر مطالعات سياسي و بين المللي

□ بتازگي منتشر کرده است:

نگرشي جديد به علم سياست

نوشته مونتى پالمز، لارى اشتون و چارلز گابيل ترجمه منوچهر شجاعى

راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ايران با ساير دول

تهيه شده در واحد نشر اسناد وزارت امور خارجه

تقويم تحولات چين

تهيه شده در گروه مطالعات شرق آسيا، به كوشش زهرا طاهري امين

انتقال به توسعه عادلانه

نوشته كيت گريپين و جفرى جيمز ترجمه محمدرضا رفعتى

تحليلي بر جنگ تحميلي رژيم عراق عليه جمهورى اسلامى ايران (جلد دوم)

تهيه شده در اداره كل امور حقوقى وزارت امور خارجه

روشنفكران عرب و غرب: سالهاى تكوين ۱۹۱۴-۱۸۷۵

نوشته هشام شرايى ترجمه عبدالرحمن عالم

□ بزودی منتشر خواهد کرد:

بحران بزرگ ۱۹۹۰

نوشتهٔ راوی باترا ترجمهٔ خسرو اسدی

ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس

نوشتهٔ سید علی اصغر کاظمی

چین و خاورمیانه

محمدجواد امیدوارنیا

استراتژی معاصر

جان بیلیس و دیگران ترجمهٔ هوشمند میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقتضای محترم! برای اشتراک «مجله سیاست خارجی» (سال سوم)، مبلغ دو هزار ریال حق اشتراک یکساله را با خرید یک برگ چک بانکی از هریک از شعب بانکها در وجه حساب جاری ۹۰۰۷۳ بانک ملی شعبه نیاوران (واحد ۹۳۶) به نام دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی بپردازید و چک مذکور را به انضمام برگ اشتراک تکمیل شده به واحد فروش انتشارات این دفتر ارسال فرمایید. این واحد پس از دریافت چک بانکی و برگ اشتراک، نسبت به ارسال مجله از شماره موجود اقدام خواهد کرد و در مورد ارسال شماره‌های پیشین مجله تمهیدی نخواهد داشت

تهران - خیابان شهید ماهر - خیابان شهید آقایی
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (واحد فروش انتشارات)
تلفن: ۴۵۷۱۰۱۷
صندوق پستی: تهران ۱۷۹۳-۱۹۳۹۵

شماره:

تاریخ:

برگ اشتراک «مجله سیاست خارجی»

(۴ شماره)

نام: نام خانوادگی:

نام پدر: شماره شناسنامه: محل صدور

شناسنامه: تاریخ تولد: شغل:

نشانی کامل:

کد پستی:

شماره تلفن: شماره صندوق پستی:

امضا:

تذکر: چک بانکی و برگ اشتراک را مستقیماً به واحد فروش انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ارسال فرمایید. مشترکین سالهای گذشته می‌توانند برای تمدید مدت اشتراک مجله، تنها شماره اشتراک خود را اعلام دارند و نیازی به تکمیل و ارسال دوباره برگ فوق نیست.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علومو انسانی